تاثیـر تصـدی کوتاه مدت و بلند مدت حسـابرس بر کیفیت سـود در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی

■ مجتبی مطلبیان[۱]
■ مهدی عربصالحی[۲]
■ هادی امیری[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۵

چکیده:

کیفیـت سود گزارش شده بـرای استفاده‌کنندگان اهمیت به‌سزایـی دارد. زیرا گزارش سود کم‌کیفیـت منجـر به تخصیص غیربهینه منابـع می‌گردد و به منافـع سرمایه‌گذاران آسیب می‌رساند. بنابراین شناسایی عوامل اثر گذار بر کیفیت سود جهت بهبود کیفیت سود ضروری بـه نظر می‌رسد. یکی از این عوامل که نهادهـای نظارتی همواره دغدغه آن را دارند اجباری کـردن چرخش حسابرسان به جـای اختیاری بودن آن است. در ایـن راستا، هدف پژوهش حاضـر بررسی تاثیر تصدی کوتاه‌مدت و بلندمدت حسابرس بر کیفیت سود و سپس بررسی این تاثیر در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. در این راستا از اطلاعات مالی ۱۰۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از الگوی رگرسیون به روش داده‌های پانل استفاده شد. نتایج پژوهش بیانگر این است که تصدی بلندمدت حسابرس بر کیفیت سود تاثیر مثبت دارد. تصدی کوتاه‌مدت حسابرس بر کیفیت سود تاثیر منفی دارد. سایر یافته‌ها حاکی از آن است که تصدی بلندمدت حسابرس در واحدهای تجاری که سطح بالاتری از عدم تقارن اطلاعاتی دارنـد منجر به افزایش بیشتر کیفیت سود می‌شـود. همچنین تصدی کوتاه‌مدت حسابرس در واحدهای تجاری که سطح بالاتری از عدم تقارن اطلاعاتی دارند منجر به کاهش شدیدتر کیفیـت سود می‌شـود. یافته‌های پژوهش شواهدی در خصـوص حمایت از فرضیه تخصص حسابرس در مقابل فرضیه استقلال حسابرس فراهم می‌کند.

واژه‌هـای کلیدی: تصدی کوتاه‌مـدت حسابرس، تصدی بلندمدت حسابـرس، عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود، کیفیت اقلام تعهدی

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۲. دانشیـار حسابـداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، گروه حسابداری، دانشگـاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل: mehdi_arabsalehi@ase.ui.ac.ir
۳. استادیار اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

مقدمه

سـود یکـی از مهم‌ترین اطلاعات حسابداری به شمار می‌رود و همـواره مورد توجه گروه‌های مختلـف ذینفـع در شرکت بوده است. از آن‌جایی کـه سود به عنوان معیاری بـرای اندازه‌گیری عملکـرد مالـی است لذا همـواره مورد تاکید قرار گرفتـه است. در سال‌های اخیـر به ویژه وقوع رسوایی‌هـای مالی بر کیفیت سود گزارش شده تاکید شـده است. پژوهش‌ها نشان داده است که سرمایه‌گـذاران با اطمینان بیشتری در سهام شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که کیفیت سود آنها بالاتر است(کردلر و ذاکری، ۱۳۸۸). از دیدگاه سرمایه‌گذاران، سود با کیفیت پایین ناخوشایند اسـت، زیرا موجب تخصیص نابهینه منابع می‌شود. سود با کیفیت پایین نظیر سود متقلبانه از آن جهت که منابع را از پروژه‌های واقعی با بازده دست یافتنی به پروژه‌های موهوم با بازده غیرواقعی و رویایـی سوق می‌دهـد، ناخوشایند است(ثقفی و همکاران، ۱۳۹۴). مطابق با نظریه نمایندگی و مباشـرت روابط افراد بر اساس یک سری قراردادهایی است که افراد ملزم به اجرای آن‌ها هستند. براسـاس فرض عدم همسویی منافع طرفین قـرارداد (مالکان - مدیران) و فرض منطق اقتصادی انتظـار می‌رود مدیران در راستای بهینه کردن منافع خود همواره به دنبال این باشند که در نبود استانداردهـای مناسب یـا انعطاف لازم در استانداردهای حسابداری کمـال بهره‌برداری را داشته باشنـد و بدین صورت کیفیت سود را متاثر کنند (دنگ و همکاران[1]، ۲۰۱۷). یکی از اقداماتی که می‌تواند کیفیت سود را ارزیابی نماید انجام حسابرسی با کیفیت است. سوالی که امروزه تبدیل به یک چالش ذهنی شده این است که چگونه با وجود سازوکارهای نظارتی نظیر حسابرسی مستقل بـاز شاهد رسوایی مالی، سو جریانات، دستکاری و تحریف صورت‌های مالی هستیم. تلقی عمومی این است که نبود استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی منجر به بروز چنین پدیده‌هایی شده است. از ایـن رو در سال ۲۰۰۲ قانون ساربنز- آکسلی[2] در امریکـا برای حمایت از سرمایه‌گذاران وضع می‌شـود. یکـی از ماده‌های این قانون موسسات حسابرسی را ملـزم می‌کند که مدیران و شرکای حسابرسی خود را بعد از پنج سال کار متوالی برای یک صاحبکار تغییر دهند. الزام سازمان بورس و اوراق بهادار تهران نیز به تغییر حسابرسان بعد از چهار سال ناشی از همین نگرانی‌ها در خصوص استقلال و کیفیت حسابرسی است. بنابراین با مطالعه قوانین و مقررات صادره و تئوری‌های مطرح در ایـن زمنیه می‌توان دریافت که تصدی حسابرس می‌تواند کیفیت حسابرسی و کیفیت سود را تحت تاثیر قرار دهد. پژوهش‌های مختلف در خصوص نوع اثر گذاری تصدی حسابرس بر کیفیت سـود نتایج ضد و نقیضی ارایه کرده‌اند. برخی معتقـد هستند نوع اثرگذاری مثبت است و برخی معتقـد هستند نوع اثرگذاری منفـی است. جهت انتخاب بین این دو دیدگاه رقیب از مفهوم عدم تقارن اطلاعاتی در این پژوهش به عنوان یک عامل تعدیل‌گر استفاده گردید. عدم تقارن اطلاعاتی بالا سبب می‌شود حسابرسان تقاضای بیشتری برای اطلاعات منحصر به فرد صاحبکار تقاضا کنند زیـرا این اطلاعـات از تجربه عمومی و تخصص در صنعت حاصل نمی‌شـود (لئونگ و همکاران[3]،

1. Deng et al.
2. Sarbanes oxley act
3. Leung et al.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

۲۰۱۷). تصـدی بلندمدت به حسابرسـان در دستیابی به چنین اطلاعاتی کمک می‌کنند و باعث می‌شـود منافع تصدی بلندمدت حسابرس برای شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر افزایش یابـد. دو عامل اصلی در عدم تقارن اطلاعاتـی مدیران–حسابرس وجود دارد. اول منحصر به فرد بـودن ویژگی‌های خاص صاحبکـار (انحراف از ویژگی‌های صنعت) که نمی‌تـوان آنها را از طریق دانش عمومی یا تجربه در صنعت به دست آورد. دوم عدم تقارن اطلاعاتی مدیران–سرمایه‌گذاران. منطقـی است که فرض کنیم حسابرسان نسبت بـه سرمایه‌گذاران متوسط، اطلاعات بیشتری در خصـوص کسب و کـار صاحبکار دارند اما هنـوز کمتر از مدیران مطلع هستنـد. اگر عدم تقارن اطلاعاتـی بین مدیران و سرمایه‌گـذاران پایین باشد به طور متناسب عـدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرسـان و مدیـران نیز کم است. هنگامی که مدیران اطلاعـات خصوصی قابل توجهی دارند، عـدم تقارن اطلاعات حسابرس–مدیر نیز بیشتـر است و یادگیری حسابرس در مورد کسب و کار به عنوان یک حامی ثالث برای سرمایه‌گذاران ارزشمند است (لئونگ و همکاران، ۲۰۱۷) با توجه بـه تبیین عوامل موثر بر کیفیت سود هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر دوره تصدی حسابرس بر کیفیت سود در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی است.

۲- چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

مطابق بـا بیانیه مفهومی هیات استانداردهای حسابداری امریکا هدف اولیه گزارشگری مالی، تهیـه اطلاعاتـی در زمینه عملکرد واحد تجاری است که از طریـق اندازه‌گیری سود و اجزای آن بـه دست می‌آید. سود حسابداری و اجـزای آن از جمله اطلاعاتی محسوب می‌شود که در هنگام تصمیم‌گیـری توسـط افراد باید در نظر گرفته شود (نمازی و همکـاران، ۱۳۹۰). از علایق خاص ذینفعان صورت‌های مالی سنجش جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری به منظور برآورد بازده مورد انتظار خود می‌باشد (فرانسیس و همکاران[1]، ۲۰۰۵). به منظور افزایش توان پیش‌بینی جریان‌های نقـد آتی سـود افشا شده باید با کیفیت باشد. سؤال اساسی این اسـت که چرا استفاده کنندگان در ارزیابـی خود از سود خالـص گزارش شده و یا سود هر سهم شرکت (بـدون تعدیل) استفاده نمی‌کننـد؟ و جانـب احتیاط را رعایـت می‌نمایند پاسخ این است کـه در تعیین ارزش شرکت و ارزیابـی عملکرد نه تنها به کمیت سود، بلکـه باید به کیفیت آن نیز توجه شود. وجود زمینه‌های مناسـب بـرای دستکاری در سـود که از تضاد منافـع و همچنین به علـت محدودیت‌های ذاتی حسابـداری از جمله نارسایی‌های موجود در فرآینـد برآوردها و پیش‌بینی‌های آتی، تقدم و تاخر در ثبـت رویدادها و انعطاف روش‌های موجود حسابداری باعـث ایجاد شکاف میان سود واقعی و سود گزارش شده در صورت‌های مالی می‌گردد و کیفیت سود را تحت تاثیر قرار می‌دهد(مهرانی و همکـاران، ۱۳۹۲). نظریـه کیفیت سود بـرای اولین بار توسط تحلیل‌گـران مالی و کارگزاران بورس مطـرح شد، زیرا آن‌ها احساس می‌کردند سود گزارش شده قدرت سود شرکت را آن‌چنان نشـان نمی‌دهـد که در ذهـن مجسم می‌کنند. آن‌هـا دریافتند که تجزیـه و تحلیل صورت‌های

1. Francis et al.

مالی شرکت‌ها به دلیـل نقاط ضعف متعدد در اندازه‌گیری اطلاعات حسابداری کار مشکلی است (سجادی و محمدی، ۱۳۹۲). کیفیت سود جنبه‌های مختلفی دارد به همین دلیل تعاریف مختلف و معیارهـای اندازه‌گیری مختلفـی از آن ارایه شده است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۱). روساین[1] (۱۹۹۹) سودی را با کیفیت می‌داند که پایدارتر باشد. از دید پنمن و ژانگ[2] (۲۰۰۲) کیفیت سود را توانایـی سود در نشان دادن عایدات آتی تعریـف می‌کند. کرشنهیتر و ملومد[3] (۲۰۰۴) سودی را بـا کیفیت می‌داند کـه به ارزش شرکت در بلندمدت نزدیک‌تر باشد و حاوی محتوای اطلاعاتی بیشتـری باشد. دچو و دیچو[4] (۲۰۰۲) سود را براساس ارتبـاط اقلام تعهدی با جریان‌های نقدی عملیاتی دوره گذشته، حال و آینده تعریف می‌کنند. در این صورت، کیفیت سود ناشی از کیفیت اقـلام تعهدی خواهد بود. آنها کیفیت سود را برای شرکت‌هایی که مجموع واریانس خطای آنها با هـم برابر است، یکسان می‌دانند. یکـی از شاخص‌های نماینده کیفیت سود، کیفیت اقلام تعهدی می‌باشـد. اقلام تعهـدی (تغییرات سرمایه در گردش غیرنقدی) در هـر سال با جریان‌های نقدی سال قبل، سال جاری و سال آتی در ارتباط است و بر وجه نقد این سه دوره تاثیر خواهد گذاشت. بـه عنوان مثال، تغییرات حساب‌های دریافتنی ایجاد شده در سال جاری می‌تواند برجریان نقدی عملیاتـی سال جاری و سال آینده تاثیرگذار باشد. یعنی، بخشی از حساب‌های دریافتنی در سال جـاری، در دوره جاری وصول و بخش دیگر نیـز در سال بعد وصول خواهد شد. همچنین، برخی از اقلام تعهدی نظیر پیش دریافت‌ها و پیش پرداخت‌ها در سال قبل یا سال جاری ایجاد شده‌اند و بر وجه نقد عملیاتی سال قبل، سال جاری و یا سال آینده تاثیر می‌گذارند. هرچه اقلام تعهدی بیشتـر از ایـن ویژگی یعنی تاثیر بر جریان نقد عملیاتی برخـوردار باشند، دارای کیفیت بالاتری هستنـد. چنانچه اقلام تعهدی سال جاری طی این سه سال متوالی بر وجه نقد تاثیرگذار نباشند، کیفیـت کمتری خواهند داشت. در نتیجه، سود نیز از کیفیت کمتری برخوردار خواهد بود (دچو و همکاران، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر سودی با کیفیت است که به وجه نقد نزدیک‌تر بوده. در این مبنا اعتقاد بر این است که اقلام تعهدی کیفیت سود را کاهش می‌دهد. بنابراین می‌توان ادعا کرد کـه اقلام تعهدی بیشتر به معنی کیفیت کمتر سود است (نـوروش و همکاران، ۱۳۸۸). با توجه بـه اینکه ریسک اطلاعات از دقـت پایین در اطلاعات ارائه شده و یـا ناتوانی اطلاعات در برآورد بـازده مـورد انتظار ناشی می‌شود انتظار می‌رود ویژگی کیفیت سود بـه اندازه‌ای که برآورد بازده مـورد نظـر سرمایه‌گذاران و ذینفعان را با ابهام مواجه سازد بـر هزینه حقوق صاحبان سهام تاثیر منفـی داشته باشد. زمانی که عموم مردم به فرایند گزارشگـری مالی یا به اطلاعات مالی منتشر شده اطمینان نداشته باشند، از سرمایه‌گذاری منصرف می‌شوند و این امر به نوبه خود از گسترش بـازار سرمایه جلوگیـری می‌کند (بولو، ۱۳۸۵). از آنجایی کـه در تحقیقات گذشته مشخص شد سـود دارای محتـوای اطلاعاتی است و بین سود گزارش شده و قیمـت سهام ارتباط وجود دارد.

1. Revsine
2. Penman & Zhang
3. Kirschenheiter & Melumad
4. Dechow & Dichev

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

اگـر سرمایه‌گـذاران از کیفیت سود گزارش شـده مطلع نباشند منجر بـه قیمت‌گذاری نادرست سهـام می‌گـردد. در این شرایـط ارزش ذاتی اوراق با قیمت اوراق فاصلـه می‌گیرد و بازده واقعی سرمایه‌گـذاران از بـازده مورد انتظار آنها بسیار کمتر خواهد بود و باعث ضرر و زیان آنها می‌گردد (فارینها و همکاران[1]، ۲۰۱۸). سوال مطرح این است که چگونه می‌توان سرمایه‌گذاران را در برابر دستکـاری صورت‌های مالـی حمایت نمود، یکی از ساز و کارهای موثر در کنترل مدیریت فرصت طلبانـه سود استفاده از حسابرسی اسـت. تورنتن[2] (۲۰۰۲) بیان می‌کند کیفیت گزارشگری مالی محصـول حداقل چهار عامل مشترک است که یکی از عامل‌ها کیفیت حسابرسی است. از آنجایی کـه هدف حسابرسی اظهار نظـر درباره مطلوبیت صورت‌های مالی است، طبیعی است که کیفیت سـود با انجام حسابرسی تاثیـر پذیرد. جانسون بیان می‌کند که بیـن حسابرسی با کیفیت بالا و افزایـش کیفیت گزارشگری مالی یک رابطه مستقیم وجود دارد. وی اینگونه استدلال می‌کند که هر چه کیفیت حسابرسی بالاتر باشد در نتیجه نظارت کاراتر، احتمال کشف رویه‌های حسابداری مشکـوک و ارائه نادرست توسط مدیـران بیشتر می‌شود. اگر مدیران تمایـل به رفع نگرانی‌های حسابرسـان در خصوص رویه‌های حسابداری مشکوک و ارائه‌هـای نادرست نداشته باشند انتشار گزارش غیرمقبول توسـط حسابرسانی که کیفیت بالاتری دارند بیشتر خواهد بود. در این حالت، کیفیـت گزارشگری مالی (کیفیت سود) محصول مشتـرک تلاش‌های مدیریت و حسابرس تلقی خواهد شد (هواک و همکاران[3]، ۲۰۱۷). رینولدز و فرانسیس[4] (۲۰۰۰) نشان می‌دهند صاحبکاران شـش موسسه بـزرگ حسابرسی نسبت به سایر صاحبکاران از اقـلام تعهدی اختیاری پایین‌تری برخوردارنـد. به اعتقاد آن‌هـا حسابرسان با کیفیت بالا قادر به کشـف مدیریت سود (معیار نبود کیفیـت سود) هستند زیرا از دانش بیشتری برخـوردار بوده و سعی می‌نمایند از مدیریت فرصت طلبانـه سـود جلوگیری کند. از آنجایی که در تحقیقاتی نظیـر کارسلو و ناگی[5] (۲۰۰۴)، مایرز و همکـاران[6] (۲۰۰۳) و استنلی و دیـزورت[7] (۲۰۰۷) مشخص شد که تصـدی حسابرس می‌تواند کیفیـت حسابرسی را تحت تاثیـر قرار دهد و همان طور که در بحث ارتباط کیفیت حسابرسی با کیفیـت سود بیـان گردید لذا انتظار می‌رود که دوره تصدی حسابـرس کیفیت سود را نیز تحت تاثیر قرار دهد.

دوره تصدی حسابرس، مدت زمانی(بر حسب سال) است که یک موسسه حسابرسی،حسابرسی یک شرکت واحد را بر عهده دارد (علوی طبری و بذر افشان، ۱۳۹۲). در خصوص نوع تاثیرگذاری تصـدی حسابـرس بر کیفیت سود دو دیدگـاه رقیب حاکم است. در خصـوص دیدگاه اول نتایج

1. Farinha et al.
2. Thornton
3. Houqe et al
4. Reynolds & Francis
5. Carcello & Nagy
6. Myers et al
7. Stanley & DeZoort

پژوهش‌هـای صورت گرفته توسط پیر و اندرسون[1] (۱۹۸۴)، جانسون و همکاران[2] (۲۰۰۲)، والکر و همکـاران[3](۲۰۰۱)، گل و همکاران[4] (۲۰۰۹)، گوش و مـون[5](۲۰۰۵)، ریچاردسون[6](۲۰۰۰)، استنلی و دیزورت (۲۰۰۷)، چای و همکاران[7](۲۰۰۹)، چن و همکاران[8](۲۰۰۸)، اسکیپر[9] (۱۹۸۹)، مایـرز و همکاران (۲۰۰۳)، گیجـر و راقونادان[10] (۲۰۰۲)، قیطاسی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که با افزایش دوره تصدی حسابرس، کیفیت سود افزایش می‌یابد. یافته‌های بالا سازگار با فرضیه یادگیری در روانشناسی است. روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار منجر به شناخت عمیق‌تر حسابـرس از ساختار کنترل‌هـای داخلی صاحبکار شده و اثربخشی بیشتـر فرآیند حسابرسی را در پـی خواهـد داشت(چای و همکـاران، ۲۰۰۹). در این‌صورت می‌تـوان استنتاج کرد که یک منحنـی یادگیری یا بهبود دانش در گذر زمان در رابطه بـا وضعیت صاحبکار در مورد حسابرس وجود خواهـد داشت. نتایج تحقیقات گذشته حاکی از آن است که برای پیش‌بینی سودهای آتی از اطلاعـات سود تاریخی استفاده می‌شود. گیجر و راقونادان (۲۰۰۲)؛ مایرز و همکاران (۲۰۰۳)؛ چن و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش‌های انجام گرفته این بحث را مورد تاکید قرار دادند که امکان شکست گزارش حسابرس در سال‌های اولیه بیشتر است. در خصوص این دیدگاه، اولا حسابرسان دارای دوره تصـدی کوتاه، فاقد دانش خاص صاحبکـار که برای هدایت یک حسابرسی با کیفیت بالا لازم است می‌باشند. به علاوه حرفه حسابداری ادعا می‌کند که دوره تصدی کوتاه ممکن است ریسـک بالاتر برای شکست حسابرسـی به دنبال داشته باشد چرا که حسابرسان دارای تجربه کم بـا دانش غیرکافی از فعالیت صاحبکـار مجبور خواهند شد که بیشتـر روی برآوردها و ارائه‌های انجام شده توسط شرکت صاحبکار اتکا نمایند. بنابراین دوره تصدی بالاتر می‌تواند مدیریت را در انجـام مدیریت سود، دچار محدودیت کند. مایرز و همکـاران (۲۰۰۳) نشان دادند که با طولانی شـدن همکاری حسابرس و صاحبکـار، پراکندگی در توزیع اقلام تعهدی اختیاری کاهش می‌یابد بـه عبارت دیگر، رابطه طولانی مدت می‌تواند به اعمال قـدرت از سوی حسابرسان منجر شود تا بدیـن وسیله دستکاری اقلام تعهدی توسط مدیریت کاهش یابد. در حالی که انتظار بر این است کـه با تصـدی کوتاه‌مدت به دلیل عدم دانش خاص از صاحبکار، حسابرس به برآوردهای مدیریت بیشتر اتکا کند و در نتیجه کیفیت اقلام تعهدی کاهش یابد. بر اساس فرضیه "تخصص حسابرس" توانایی حسابرس در کشف ارایه نادرست اقلام در صورت‌های مالی تهیه شده توسط مدیریت تحت تأثیـر دانش خـاص حسابرس از صاحبکار است که این دانش در طـی سنوات اولیه حسابرسی و

1. Pierre & Anderson
2. Johnson et al
3. Walker
4. Gul et al.
5. Ghosh & Moon
6. Richardson et al.
7. Chi et al.
8. Chen et al.
9. Schipper
10. Geiger & Raghunandan

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

بـه تدریج برای حسابرس بـه وجود می‌آید. در این فرضیه به اثـر یادگیری حسابرس اشاره شده است. یادگیری دو مولفه دارد. مولفه اول ناشی از تخصص حسابرس در صنعت است و مولفه دوم ناشی از یادگیری محیط منحصر به فرد صاحبکار است که با صنعت متفاوت است. این فرضیه که بـر اساس عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرس و صاحبکـار در سال‌های اولیه دوره تصدی استوار اسـت، طی زمان و با کسب شناخت حسابرس از محیط واحد تجاری برطرف می‌شود. این فرایند تدریجی شناخت واحد مورد رسیدگی در طی زمان باعث ایجاد یک مزیت رقابتی برای حسابرس در کشـف موارد ایراد منـدرج در صورت‌های مالی می‌شود. فقدان چنین شناختی برای حسابرس در سال‌هـای اولیـه تصدی حسابرسی صاحبکـار ممکن است منجر به تأثیـر منفی روی کیفیت حسابرسی و کیفیت سود شود (آرل و همکاران، ۲۰۰۵).

دیدگـاه دوم حاکی از آن است که تصدی حسابرس کیفیـت سود را کاهش می‌دهد (فرضیه استقـلال) پژوهش‌هـای همچـون هوهنفلـس[1](۲۰۱۶)، چویـی و دوگـار[2](۲۰۰۵)، کاپلـی و دوسـت[3](۱۹۹۳)، داویس و همکـاران[4](۲۰۰۹)، وانسترالن[5](۲۰۰۰)، مایـرز و همکاران (۲۰۰۳)، باتـز و همکـاران[6] (۱۹۸۲)، دی آنجلـو[7](۱۹۸۱)، رجبی (۱۳۸۵)، کرمـی و بذرافشان (۱۳۸۸)، کاشانی‌پـور و همکاران (۱۳۹۱)، نمازی و همکـاران (۱۳۹۰)، حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۶) حاکـی از آن است که افزایش دوره تصدی، کیفیت سـود را کاهش می‌دهد. یک استدلال پدیده کم‌قیمت‌گـذاری خدمات حسابرسی است که به موجب آن حسابرسان حق‌الزحمه‌های پایین‌تری مطالبـه می‌نمایند تا صاحبکاران جدید را بدست آورده و حفظ نمایند و انتظار دارند که زیان‌های سال‌هـای ابتدایی اشتغال بـه حسابرسی را در آینده جبران نمایند (دی آنجلو، ۱۹۸۱). طبق این استـدلال حسابرسان بـا دوره تصدی کوتاه ممکن است در سال‌های ابتدایی در رابطه با صاحبکار سهـل انگارتر باشند. به این ترتیب حسابرسی آنها می‌تواند شغلش را حفظ نماید تا به این وسیله زیان‌های اولیه را جبران نماید که این مساله در نهایت منجر به حسابرسی‌های با کیفیت پایین‌تر و در نهایـت کیفیـت سود پایین‌تر می‌شود (گل و همکـاران، ۲۰۰۷). همچنین، زمانی که روابط حسابـرس و صاحبکـار طولانی می‌شود ایـن دیدگاه در ذهن حسابرسان ایجـاد می‌شود که آنها آشنایـی کامل بـا وضعیت و موقعیت صاحبکار دارند در نتیجه نیاز بـه اصلاح و تغییر برنامه‌های حسابرسـی و یا آزمون‌های حسابرسـی بیشتر را در خود احساس نمی‌کنند. آنها برای برنامه‌ریزی حسابرسی، تعیین بودجه و فراهم کردن اطلاعات لازم برای حسابرسی سال جاری از کاربرگ‌های سـال قبـل استفاده می‌کنند و به جای اینکـه در هر لحظه گوش به زنـگ و هوشیار باشند تنها بـه پیش‌بینـی نتایج می‌پردازند و از اجرای یک حسابرسی بـا کیفیت بالا دور می‌مانند (لئونگ و

1. Hohenfels
2. Choi & Doogar
3. Copley & Doucet
4. Davis et al.
5. Vanstraelen
6. Bates et al.
7. De Angelo

همکـاران، ۲۰۱۷). بالاخره دلیـل آخر اینکه، این امکان وجود دارد که دوره تصدی طولانی باعث ایجـاد یک سـری روابط عاطفی شود تا حدی کـه احساس وفاداری در حسابرسـان ایجاد کرده یـا به دلیل وابستگی‌های اقتصـادی انگیزه بیشتری برای حفظ صاحبکـار و پذیرش دیدگاه‌ها و خواسته‌های وی خواهند داشت که این امر استقلال آنها را مخدوش می‌کند (دی آنجلو، ۱۹۸۱). با نگاهی به قوانین و آیین‌نامه‌ها در ایران مشخص می‌شود که نگاه حرفه و نهادهای ناظر نسبت به چرخش حسابرسان مثبت است. به عنوان مثال ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمـان بورس و اوراق بهـادار بیان می‌دارد مؤسسات حسابرسی و شرکـا یا مدیران مسئول کار حسابرسی شرکت‌های مشمول دستور العمل، مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال متوالی، مجدداً سمـت حسابـرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مورد رسیدگـی را بپذیرند. همچنین مطابق با تبصره ۲ ماده ۱۰ دستور العمل فوق پذیرش مجدد حسابرسی اشخاص مذکور پس از سپری شدن حداقـل ۲ سـال از پایان دوره ۴ ساله مزبور مجاز است. علاوه بـر این در آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای جامعه حسابداران رسمی ایران نیز به موضوع چرخش اجباری موسسات حسابرسی پرداخته شده اسـت. مطابق با این آیین‌نامه هیچ کار حسابرسی نباید بیـش از ۳ سال توسط مدیر مسئول کار حسابرسـی یا بیش از ۵ سال با مسئولیت یک شریک انجام شود. مدیران با استفاده از روش‌های مختلـف سعـی می‌کنند سودی را گزارش کنند که به مقصود خـود برسند در این راه عدم تقارن اطلاعاتـی می‌تواند کیفیت سود را متاثر کند (فارینها و همکـاران، ۲۰۱۸). شرکت‌هایی که عدم تقـارن اطلاعاتی بالاتری دارند بـه احتمال زیاد اطلاعات خاص بیشتری دارند که نمی‌توان آنها را را از طریـق دانش عمومی و اطلاعاتی در سطـح صنعت به دست آورد. به عنوان مثال فرآیندها و معاملاتـی که در داخل شرکـت رخ می‌دهد ممکن است از فرآیندهای رایج صنعت متفاوت باشد. بیشتـر رویه‌هـا و برآوردهای حسابداری کـه در مورد چنین صاحبکارانی کاربـرد دارد احتمالا با سایـر شرکت‌های صنعت متفاوت است. در نتیجه یک حسابـرس جدید حتی با داشتن اطلاعات صنعـت به راحتی نمی‌تواند حسابرسی دقیقی انجام دهـد. مدیریت صاحبکار ممکن است از این قضیـه به عنوان یک فرصت استفاده کند تا اقلام تعهـدی را بر اساس نفع شخصی خود مدیریت کنـد (لئونـگ و همکاران، ۲۰۱۷). به موازاتی که حسابرس دانـش بیشتری از این تیزبینی مدیر طی دوره تصدی به دست می‌آورد ارزیابی وی در مورد روش‌های حسابداری و اقلام تعهدی بهتر شده و در نتیجه احتمال کشف خطاهای بلقوه و برآوردهای گمراه کننده افزایش می‌یابد. بنابراین کیفیـت حسابرسی بـا دوره تصدی افزایش می‌یابـد (چن و همکـاران، ۲۰۰۸). در مقابل فرض کنید سطـح عدم تقارن اطلاعاتی شرکت پایین باشد حتی اگـر حسابرسان با صاحبکاران خاص آشنـا باشند، حسابرسان متخصص صنعـت می‌توانند حسابرسی با کیفیت‌تـری از این شرکت‌ها داشتـه باشند زیرا این شرکت بر حسـب فرآیندهای گزارشگری کنترلی و عملیات داخلی با سایر شرکت‌ها تفاوتی ندارد. به دلیل اینکه روش‌ها، برآوردهای حسابداری و اقلام تعهدی با نرم صنعت تطبیـق دارد به آسانی توسط مدیـران ابلاغ شده و توسط حسابرس فهمیـده می‌شود (لئونگ و همکـاران، ۲۰۱۷). حتی اگر مدیران هم بخواهند توانایی آنها بـرای مدیریت فرصت‌طلبانه اقلام

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

تعهـدی محدود است. بنابرایـن اطلاعات کسب شده خاص صاحبکـار توسط حسابرس طی یک دوره تصـدی بلندمدت احتمالا در چنین شرکت‌هایی که عـدم تقارن اطلاعاتی پایین است تاثیر کمتـری در مقایسه بـا شرکت‌های با عدم تقارن بالا دارد (لئونگ و همکاران، ۲۰۱۷). عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند کیفیت سود را تحت تاثیر قرار دهد. هر چقدر عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر باشد، حسابرسان خطرهای حسابرسـی را در حد بالاتری برآورد می‌کنند، آزمون‌های محتوای بیشتری اعمـال خواهند نمود و حجم رسیدگی را افزایش خواهند داد از این رو کیفیت حسابرسی افزایش و بـه تبع آن، کیفیت سود بهبـود قابل ملاحظه‌تری نسبت به نبودن عـدم تقارن اطلاعاتی پیدا خواهـد کرد (واریسـی[1]، ۲۰۱۳). ادبیات مطرح در این قسمت بیانگر ایـن است که افزایش عدم تقـارن اطلاعاتی حسابرسان را ملزم به کسب اطلاعات خـاص آن شرکت می‌کنند. این اطلاعات منحصـراً درون شرکت می‌باشد و با تخصص حسابرس در صنعـت یا تجربه عمومی حسابرس به دست نمی‌آید. اما با تصدی بلندمدت حسابرس رسیدن به اطلاعات خاص آسان‌تر می‌شود و منجر به برآورد بهتر حسابرس از کیفیت صورت‌های مالی می‌گردد. این دیدگاه می‌تواند نگرانی نهادهای استاندارد گذار و قانون گذار جهت چرخش اجباری حسابرسان را مرتفع کند.

پیترسـون و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان "تاثیر تصدی حسابرس بر تقلب و کشف آن" به بررسی تاثیر تصدی حسابرس بر تمایل مدیران به انجام تقلب پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که ریسک حسابرسی (احتمال اینکه تقلب وجود داشته باشد و کشف نشود) برای تدوام حسابـرس کمتـر از تعویض حسابرس است. همچنین یافته‌های آنهـا نشان داد که انتظار می‌رود تقلب کشف نشده در حالت تدوام حسابرس کمتر از تعویض حسابرس است.

گـوش و سیریوریاکال (۲۰۱۸) به تشریح این مطلـب پرداختند که چرا موسسات حسابرسی امریکـا با چرخش اجباری حسابـرس مخالف هستند. نتایج آنها نشـان داد که حق‌الزحمه چهار موسسـه بـزرگ حسابرسی از طریق تصـدی بیشتر موسسه حسابرسی به طـرز قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابـد. در مقابل حق‌الزحمه سایر موسسات حسابرسی در صورت طولانی شدن تصدی حسابـرس کاهش پیدا می‌کند. آنها بـا استفاده از تاخیر گزارش حسابـرس به عنوان یک متغیر پراکسـی برای هزینه‌های حسابرسی نشان دادند کـه هزینه‌های حسابرسی در صورت زیاد شدن دوره تصـدی حسابرس کاهش پیـدا می‌کند و این کاهش برای چهـار موسسه بزرگ حسابرسی بیشتـر است. نتایج آنها همچنین نشان داد که چهار موسسه بزرگ حسابرسی درگیر سود بیشتر و کسـب شبـه رانت در طـول زمان می‌شونـد و می‌تواند دلیلی برای مخالفـت چرخش موسسه حسابرسی شود. به طور کلی شواهد آنها نشان می‌دهد زمانی که تصدی حسابرس بلندمدت است نیـاز به نظـارت بهتر بر استقلال حسابرس و قضاوت‌های حسابرسـی لازم است به خصوص برای چهـار موسسه بزرگ حسابرسی زیرا پیوند اقتصادی بیـن حسابرس و صاحبکار تمایل به افزایش طول زمان دارد.

هـواک و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی بـا عنوان "کیفیت حسابرسی، مدیریت سود و هزینه

1. Varici

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

سرمایه" به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود و هزینه سرمایه بر روی ۷۳۰۳ سال-شرکـت هندی پرداختند. آنها برای سنجش مدیریت سود از مـدل اقلام تعهدی اختیاری جونز[1] استفاده کردند. نتایج آنها نشان داد شرکت‌هایی که حسابرسی با کیفیت‌تری دارند، مدیریت سود و هزینـه سرمایـه کمتری دارند. همچنیـن نتایج آنها نشان داد که شرکت‌هـای فرعی وابسته به شرکت‌های اصلی مدیریت سود کمتر و در نتیجه هزینه سرمایه کمتری در مقایسه با شرکت‌های اصلی دارند در حالی که نسبت به شرکت‌های اصلی از حسابرس با کیفیت کمتر برخوردار هستند.

لئونـگ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنـوان "تصدی حسابرس، عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت سود" به بررسی تاثیر تصدی حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت سود درشرکت‌های چینی پرداختند. آنها برای اندازه‌گیری کیفیت سود از سه مدل اقلام تعهدی جزتعدیل شده، اقلام تعهدی جاری تعدیل شده بر اساس بازده دارایی‌ها و مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده کردنـد. برای لحاظ کردن عدم تقارن اطلاعاتـی از عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهامداران و عـدم تقـارن اطلاعاتی بین مدیر و حسابرس استفاده نمودند. نتایج آنها موید این است که تصدی حسابرسی منجر به افزایش کیفیت سود می‌شود. تصدی حسابرس در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری دارند در مقایسه با شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی پایین‌تری دارند بیشتر منجر به بهبود کیفیت سود می‌گردد.

هوهنفلس (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان"تصدی حسابرس و کیفیت سود" به انجام رسانده است. او در این مطالعه به بررسی نحوه تصدی حسابرس بر روی درک سرمایه‌گذاران از کیفت حسابرسی و تصویـب مقررات اخیر در مورد چرخش اجباری حسابرسان در سطح اتحادیه اروپا می‌باشد، که بـا نگرانی مواجه شده است. تصدی حسابرسی بلند مدت، استقلال حسابرسی را مختل می‌کند و بنابرایـن کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد. نتایج حاکـی از آن است که یک رابطه غیر خطی میان تصدی حسابرس و کیفیت سود، وجود دارد.

اگـاز و راهمینـا[2] (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "تاثیر استقـلال حسابرس، تصدی حسابرس وحق‌الزحمه حسابرس بر کیفیت سود" به بررسی همزمان این سه متغیر بر کیفیت حسابرسی در بـازار بورس اندونزی پرداختند. برای جمع‌آوری داده‌هـای پژوهش از پرسش‌نامه استفاده کردند. مخاطبـان پرسش‌نامه حسابرسان ارشد، سرپرستان، مدیران و شرکای موسسات حسابرسی بودند. نتایـج پژوهـش نشان داد که استقلال حسابرس، تصدی حسابـرس و حق‌الزحمه حسابرس تاثیر مثبتـی بر کیفیت سـود دارد و حدود ۲۱درصـد از تغییرات کیفیت حسابرسـی توسط این سه متغیر توضیـح داده می‌شود و بقیه تغییرات کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه حسابرس، تخصص حسابرس در صنعت و ریسک حسابرسی است.

واریسـی (۲۰۱۳) در پژوهشی بـا عنوان "بررسی رابطه بین عدم تقـارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی:مطالعـه تجربـی از بورس استانبول" به بررسی میزان تفـاوت در عدم تقارن اطلاعاتی

1. Jones
2. Agoes & Rahmina

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

شرکت‌هایی که توسط موسسات بزرگ حسابرسی شده اند با سایر شرکت‌ها پرداخته است. دراین پژوهش جهت سنجش عدم تقارن اطلاعاتی از شش معیار سنجش استفاده شده است. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین عدم تقارن اطلاعاتی دو گروه شرکت‌ها اختلاف معناداری وجود دارد.

طالب‌پور اصل و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی پرداختند. آنها برای کیفیت حسابرسی سه معیار، وجود بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی، اقلام تعهدی اختیاری و تعدیلات سنواتی را انتخاب کردند که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها برای نمونه‌های انتخابی، نشان داد که نه تنها کیفیت حسابرسی در هنگام تعویض حسابرس افزایش پیدا نکرده بلکه طولانی شدن دوره‌های تصدی حسابرسان منجر به بهبود کیفیت حسابرسی می‌گردد. این نتیجه برای هر سه معیار مورد بررسی یکسان بود.

خداداده شاملو و بادآور نهندی (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و دورهٔ تصدی حسابرس بر قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی با تأکید بر چرخهٔ عمر شرکت پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که تخصص حسابرس در صنعت بر قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی در کل و در مرحلهٔ بلوغ، تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، دورهٔ تصدی حسابرس بر قابلیت مقایسهٔ صورت‌های مالی در کل و در مراحل مختلف چرخهٔ عمر شرکت تأثیری ندارد.

عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تاثیر سیاست چرخش اجباری حسابرس بر حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج آنها نشان داد که چرخش اجباری حسابرس منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی نمی‌گردد. اما چرخش اختیاری حسابرس منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد.

واعظ و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطهٔ بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمهٔ حسابرسی پرداختند. نتایج آنها نشان داد که معاملات با اشخاص ارتباط مثبت و معناداری با حق‌الزحمهٔ حسابرسی دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش بیانگر این است که تخصص حسابرس در صنعت موجب تعدیل رابطهٔ بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمهٔ حسابرسی می‌شود. به عبارت دیگر، رابطهٔ مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمهٔ حسابرسی در شرکت‌هایی که به وسیلهٔ حسابرسان متخصص صنعت حسابرسی می‌شوند نسبت به سایر شرکت‌ها، ضعیف‌تر است.

وکیلی فرد وهمکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان " اثرکیفیت حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط " به بررسی این موضوع پرداختند که کیفیت حسابرسی بالا چه تاثیری بر مدیریت سود در دو گروه از شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران دارد و اینکه چه رابطه‌ای بین ارائه گزارش مشروط و تخصص حسابرس در صنعت صاحبکار وجود دارد. دو مدل رگرسیون OLS و لاجیت برای بررسی اثر کیفیت حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری و اثر تخصص حسابرس در صنعت بر ارائه گزارش مشروط در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تعیین شده و معیار دوره تصدی حسابرس (۵ سال) را به عنوان شاخص

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

کیفیت حسابرسی بالا، مدل تعدیل شده اقلام تعهدی اختیاری جونز را به عنوان شاخص مدیریت سـود و داشتن حداقل ۷ صاحبکار در یک صنعت را بعنوان معیاری برای تخصص حسابرس مورد استفـاده قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن اسـت که در شرکت‌های با اندازه بزرگ، دوره تصـدی گری پنـج سال حسابرس به احتمال بیشتر اقلام تعهـدی اختیاری را کاهش می‌دهد. از طرفی به احتمال زیاد شرکت‌هایی که از حسابرس متخصص استفاده می‌نمایند تمایل کمتری به دریافت گزارش مشروط دارند.

علوی طبری و بذرافشان (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "کیفیت سود: شواهدی از نقش دوره تصدی حسابرس و تخصص در صنعت" درصدد بررسی تاثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بیـن دوره تصـدی حسابرس و کیفیت سود بوده اند. نتایج حاصـل از بررسی ۶۸ شرکت پذیرفته شـده در بورس اوراق بهادار تهران طـی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ نشان داد زمانی که حسابرس متخصص نیست با افزایش دوره تصدی میزان اقلام تعهدی اختیاری افزایش و کیفیت سود کاهش می‌یابـد. درحالیکه چنانچه حسابرس متخصص باشد با افزایش دوره تصدی، کیفیت سود افزایش می‌یابد. این نتایج بیانگر این امر است که روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار در صورتی که حسابرس متخصص باشد نگران کننده نخواهد بود.

کاشانـی پـور و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "رابطـه بین دوره تصدی حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی رابطه بیـن دوره تصـدی حسابرس و اقلام تعهـدی اختیاری شرکت‌ها پرداخته اند. بـرای برآورد اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که بین اقلام تعهدی اختیاری و دوره تصدی حسابرس رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پژوهش فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شدند:

فرضیه اول: دوره تصدی کوتاه‌مدت حسابرس بر کیفیت سود تاثیر دارد.

فرضیه دوم: دوره تصدی بلندمدت حسابرس بر کیفیت سود تاثیر دارد.

فرضیـه سوم: تاثیـر تصدی کوتاه مدت حسابرس بر کیفیت سود در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا در مقایسه با شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین بیشتر است.

فرضیـه چهارم: تاثیر تصدی بلند مدت حسابرس بر کیفیت سود در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا در مقایسه با شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی پایین بیشتر است.

۴- متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش شامل متغیر وابسته، مستقل، تعدیل‌گر و کنترلی می‌باشد.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

۴-۱- متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش حاضر کیفیت سود (AQ) است و برای اندازه‌گیری آن از مدل کیفیت اقلام تعهدی دچو و دیچو (۲۰۰۲) بر اساس رابطه (۱) به صورت مقطعی استفاده شده است:

رابطه۱

$$\frac{TCA_{it}}{A_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{cfo_{it-1}}{A_{it-1}} + \beta_2 \frac{cfo_{it}}{A_{it-1}} + \beta_3 \frac{cfo_{it+1}}{A_{it-1}} + \beta_4 \frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} + \beta_5 \frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

در مدل (۱):

TCA_{it}: اقـلام تعهـدی جاری شرکت i در سال t (برابر است بـا تغییر در دارایی‌های جاری غیــر از وجه نقد منهای تغییر در بدهی‌های جاری غیر از اسنادپرداختنی و سایر بدهی‌های کوتاه مدت بهره دار)

A_{it-1}: ارزش دفتری کل دارایی‌ها در ابتدای دوره

cfo: خالص جریان نقدی عملیاتی در سال قبل، سال جاری و سال بعد

ΔREV_{it}: تغییرات فروش شرکت

PPE_{it}: ارزش دفتـری اموال، ماشیـن آلات و تجهیزات(دارایی‌های ثابت مشهود)شرکت i در سال t

ε_{it}: خطای برآورد اقلام تعهدی

پـس از مشخص نمودن باقیمانده مدل فوق، انحراف معیار باقیمانده‌ها طی سال‌های جاری تا چهار سال قبل محاسبه می‌گردد. انحراف معیار محاسبه شده بیانگر شاخص معکوس کیفیت اقلام تعهـدی (کیفیت سود) هر شرکـت در هرسال خواهد بود. هر قدر انحراف معیار باقیمانده‌ها بالاتر باشد، به نشانهٔ اقلام تعهدی ضعیف‌تر و کیفیت سود پایین‌تر تعبیر می‌شود.

۴-۲- متغیرهای مستقل

مطابق بـا ماده ۱۰ دستور العمل موسسات حسابرسی معتمـد سازمان بورس و اوراق بهادار، مؤسسـات حسابرسـی و شرکا یا مدیران مسئول کار حسابرسی هـر یک از اشخاص حقوقی فوق مجـاز نیستنـد بعد از گذشت ۴ سال متوالـی، مجدداً سمت حسابرس مستقـل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند. همچنین مطابق با تبصره ۲ ماده ۱۰ دستور العمل فوق پذیرش مجدد حسابرسـی اشخاص مذکور پس از سپری شـدن حداقل ۲ سال از پایان دوره ۴ ساله مزبور مجاز اسـت. بـا توجه به دستـور العمل فوق چنانچـه حسابرسی از یک سال تا چهـار سال در شرکت صاحبکـار باقی بماند در طبقه تصدی کوتاه‌مدت حسابـرس قرار می‌گیرد و چنانچه پس از پایان دوره چهار ساله به شرکت صاحبکار بازگردد به عنوان تصدی بلند مدت حسابرس تلقی می‌گردد. بـه منظور بررسی دقیق‌تر نوع اثر گذاری تصدی حسابرس بـر شاخص‌های کیفیت سود (مطابق بـا مبانی نظری تفـاوت معنی‌داری میان تصدی کوتاه‌مدت و بلند مت حسابرس وجود دارد) و از آنجایـی که انتظار می‌رود فاصله بین اولین سال تصدی تا دومین سال تصدی حسابرس با فاصله

بیـــن دومین سال تـــا سومین سال تصدی نتایـــج متفاوتی به بار می‌آورد لـــذا تصدی کوتاه مدت حسابرس به صورت زیرتعریف می‌شود:

D0: اگر حسابرس یک سال تصدی داشته باشد عدد یک در غیر این‌صورت عدد صفر

D1: اگر حسابرس دو سال تصدی داشته باشد عدد یک در غیر این‌صورت عدد صفر

D2: اگر حسابرس سه سال تصدی داشته باشد عدد یک در غیر این‌صورت عدد صفر

D3: اگر حسابرس چهار سال تصدی داشته باشد عدد یک در غیر این‌صورت عدد صفر

تصدی بلند مدت حسابرس به صورت زیر تعریف می‌شود:

D4: اگر حسابرس بیش ازچهار سال تصدی داشته باشد عدد یک در غیر این‌صورت عدد صفر.

۴-۳- متغیر تعدیل‌گر

عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهامداران (BASPREAD): برخی از سرمایه‌گذاران درون سازمانی نظیر مدیران، تحلیل گران آنها و موسساتی که از این افراد اطلاعات دریافت می‌کنند به اخبار محرمانه دسترسی دارند. هرچه اطلاعات محرمانه‌تر باشد دامنه تفاوت قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش سهام بیشتر می‌شود و در نتیجه بازده سرمایه‌گذاران که به این اطلاعات دسترسی ندارند کاهش می‌یابد (لافوند و واتس[1]، ۲۰۰۸، ۴۵۵). تفاوت در قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در نتیجه عرضه و تقاضای غیرعادی رخ می‌دهد. که عرضه و تقاضای غیرعادی نیز در نتیجه وجـــود اطلاعات محرمانه رخ می‌دهد. بـــه طوری که هنگام اخبار محرمانه بـــد، عرضه سهام زیاد می‌شود و قیمت پیشنهادی فروش نیز کاهش می‌یابد. و بر عکس هنگام بروز اخبار محرمانه خوب، تقاضـــا زیاد می‌شود و قیمت پیشنهادی خرید افزایش می‌یابـــد. پس تفاوت در قیمت پیشنهادی خریـــد و فـــروش سهام به خاطر عدم تقـــارن اطلاعاتی میان عرضه کنندگـــان اطلاعات و استفاده کنندگـــان از اطلاعات است. در این پژوهش به پیروی از مدل ونکاتش و چیانگ[2] (۱۹۸۶)؛ قائمی و وطـــن پرســـت (۱۳۸۴) و احمد پور و رسائیان (۱۳۸۵) از معیار دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام استفاده خواهد شدکه از طریق رابطه ۲ به شرح زیرمحاسبه می‌شود:

رابطه ۲

$$BASPREAD_{it} = \frac{AP_{i,t} - BP_{i,t}}{(AP_{i,t} + BP_{i,t})/2} \times 100$$

در رابطه ۲

$BASPREAD_{it}$: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

AP_{it} (ASK PRICE) : میانگین پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t

BP_{it} (BID PRICE) : میانگین پیشنهادی فروش سهام شرکت i در دوره t

منظـــور از بهترین قیمت پیشنهـــادی خرید سهم عبارت اســـت از بالاترین قیمت پیشنهادی

1. LaFond & Watts
2. Venkatesh & Chiang

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

بـــرای خرید سهم در هر روز و بهترین قیمت پیشنهادی فروش نیز عبارت است از کمترین قیمت پیشنهـــادی برای فروش هر سهم در هر روز) سپس بر اســـاس مدل، میانگین ارقام محاسبه شده بـــرای روزهای مختلف هر یک از سال‌های تحت بررسی شرکت‌های نمونه، به عنوان دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام آن شرکت طی آن سال در نظر گرفته می‌شود. طبق رابطه ۱، هرچـــه دامنه‌ی تفـــاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عـــدد بزرگتری باشد، حاکی از عـــدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است. در آزمون فرضیه‌ها، قـــدر مطلق عدد حاصل از این مدل مورد استفـــاده قرار می‌گیرد. اطلاعات مورد نیاز جهت محاسبه ایـــن متغیر از سایت بورس اوراق بهادر تهران استخراج شده است.

۴-۴- متغیرهای کنترلی

براســـاس پژوهش‌های لئونگ و همکـــاران (۲۰۱۷)؛ هوهنفلس (۲۰۱۶)؛ پترسون و همکاران[1] (۲۰۱۵) جهـــت تصریح بهتر مدل‌هـــای رگرسیونی، از یک سری متغیرهای کنترلی موثر بر متغیر وابسته به شرح زیر استفاده شد:

تخصص در صنعت حسابرســـی(SPECIALIST): تخصص در صنعت حسابرس که از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری آن بهره گرفته شده است، زیرا بسیاری از معیارهای مورد استفـــاده در اندازه‌گیری تخصص در صنعـــت حسابرس از طریق ابزارهایی همچون پرسشنامه و یا مصاحبـــه جمع‌آوری می‌شوند که خود بـــر اعتبار نتایج تحقیق تاثیر می‌گذارد. تخصص در صنعت حسابـــرس با استفاده از دو رویکرد سهم بازار و سهم پرتفوی موسسه حسابرسی محاسبه می‌شود کـــه در این پژوهش از رویکرد سهم بازار استفـــاده می‌شود. چون در پژوهش اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) نیـــز این رویکرد مـــورد تاکید قرار گرفته همچنین جمـــع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبـــه تخصص در صنعت حسابرس با استفـــاده از رویکرد سهم پرتفوی موسسه حسابرسی در ایران با مشکلات فراوانی رو به روست. سهم بازار حسابرسان نیز به شرح زیر محاسبه می‌شود:

رابطه ۳

$$\left(\frac{1}{(IF)}\right) * (1.2) < \left(\frac{EA}{(EAT)}\right)$$

در رابطـــه فـــوق مجموعه دارایی‌های تمام صاحبکاران یک موســـســـه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص (EA) تقسیم بر مجموع دارایی‌های کل صاحبکاران در این صنعت(EAT)، می‌شود. بـــا پیروی از تحقیق پالمرز[2] (۱۹۸۷) موسساتـــی در این تحقیق به عنوان متخصص در صنعت در نظـــر گرفتـــه می‌شوند که سهم بازار آنها (یعنی عبارت سمت راست معادله) بیش از عبارت یک بر روی تعداد شرکت‌های موجود در یک صنعت(IF) ضرب بر ۱,۲ (یعنی عبارت سمت چپ معادله) باشـــد. این متغیر به عنوان یک متغیـــر مجازی در مدل وارد می‌شود چنانچه حسابرس در صنعت

1. Peterson et al.
2. Palmrose

متخصص باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر.

اندازه شرکت (SIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در آخر دوره،

ارزش دفتـری به ارزش بازار (BTM): برابر است با تقسیم ارزش دفتری سهام بر ارزش بازار سهام در آخر سال

جریان‌های نقدی عملیاتی (CFO): برابر است با تقسیم خالص جریان‌های نقدی عملیاتی در آخر سال تقسیم بر میانگین کل دارایی‌ها،

نرخ رشد صنعت (Ind_growth): برابر است با مجموع فروش شرکت‌های موجود در صنعت در سال جاری تقسیم بر مجموع فروش شرکت‌های موجود در همان صنعت در سال قبل،

انحـراف معیار جریان نقـدی (StdCFO): برابر است با انحـراف معیار نسبت خالص جریان نقدی عملیاتی به ارزش دفتری کل دارایی‌ها در پنج سال قبل.

چرخه عملیاتی(logopcycle): برابر است با حاصل جمع دوره وصول مطالبات و دوره گردش موجودی‌ها

DSO_{it} :دوره وصول حساب‌های دریافتنی شرکت i در سال t، که از طریق رابطه۴ به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود.

رابطه ۴ DSO = حساب‌های دریافتنی / (فروش سالانه / ۳۶۵)

DPI_{it}: دوره گـردش موجودی‌هـای شرکتi در سال t که از طریـق رابطه ۵ به صورت زیر اندازه‌گیری شد.

رابطه ۵ DSI = موجودی / (بهای تمام شده کالای فروش رفته / ۳۶۵)

۵- جامعه آماری و انتخاب نمونه

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش نمونه گیری، روش حذف سیستماتیک است. بدین منظور، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته‌اند ازنمونه آماری حذف گردیده‌اند. شرایط مذکور به شرح زیر هستند:

- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها به پایان اسفند ختم شود.
- در دوره زمانی مورد تحقیق حداقل هر سه ماه یکبار سهام آنها مبادله شده باشد.
- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه گری مالی و لیزینگ نباشند.
- در طی دوره مورد بررسی، تغییر سال مالی نداشته باشند.
- کلیه متغیرهای مورد نیاز پژوهش قابل دست یابی باشد.
- از سال ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۶ در بورس تهران حضور داشته باشند (برای محاسبه برخی متغیرها لازم است از اطلاعات سال ۱۳۸۳ به بعد استفاده شود).

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

بـا توجه به شرایـط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفتـه شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۱۰۳ شرکت انتخاب شدند. قلمرو زمانی پژوهش یک بازه زمانی ۱۰ ساله از سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ اسـت.

۶- روش پژوهش

پژوهـش حاضـر بر اساس هدف، از نـوع کاربردی است، چرا که نتایـج آن مستقیماً می‌تواند توسـط افـراد مختلف استفاده گردد. بر اسـاس روش، از نوع توصیفـی- همبستگی است. از بعد ماهیت داده‌ها، نوع پژوهش کمی است. افزون بر این، از بعد نوع استدلال، یک پژوهش استقرایی است؛ یعنی درصدد طراحی یک مدل کلی بر اساس مشاهدات تجربی و جمع‌آوری داده‌های کمی است. از نظر بعد زمانی نیز یک پژوهش گذشته‌نگر و از نظر بعد طول زمان، یک پژوهش ترکیبی (مقطعـی – سری زمانـی) است. از لحاظ روش‌هـا و فنون جمع‌آوری اطلاعـات از نوع آرشیوی می‌باشـد. از لحاظ ماهیت پژوهش نیز اصیل (دست‌اول) اسـت. و نهایتاً، بر اساس طرح پژوهش، پـس رویدادی اسـت؛ در پژوهش حاضر، تجزیه‌وتحلیل داده‌هـا در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی با استفاده از نرم‌افزار استتا صورت گرفت. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی ۱ و ۲ بر گرفته از پژوهش لئونگ و همکاران (۲۰۱۷) استفاده گردید:

مدل۱

$$AQ_{i,t} = \beta_0 + \sum_{i=1}^{4} \beta_i D_{it} + \beta_2 Specialist_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 CFO_{i,t} + \beta_5 Ind_growth_{i,t} + \beta_6 BTM_{i,t} + \beta_7 stdcfo_{i,t} + \beta_8 logopcycle_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۲

$$AQ_{i,t} = \beta_0 + \sum_{i=1}^{4} \beta_i D_{it} + \beta_2 BASPREAD_{i,t} + \sum_{i=1}^{4} \gamma_i D_{it} * BASPREAD_{i,t} + \beta_4 Specialist_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 CFO_{i,t} + \beta_7 Ind_growth_{i,t} + \beta_8 BTM_{i,t} + \beta_9 stdcfo_{i,t} + \beta_{10} logopcycle_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل ۱ و ۲:

AQ_{it}: کیفیت سود شرکت i در سال t

β0: حسابرس یک سال تصدی داشته باشد.

D1: حسابرس دو سال تصدی داشته باشد.

D2: حسابرس سه سال تصدی داشته باشد.

D3: حسابرس چهار سال تصدی داشته باشد.

D4: حسابرس بیش از چهار سال تصدی داشته باشد.

$BASPREAD_{it}$: عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهامداران

$Specialist_{it}$: تخصص حسابرس در صنعت

$Size_{it}$: اندازه شرکت
CFO_{it}: جریان نقدی عملیاتی
Ind_growth_{it}: نرخ رشد صنعت
BTM: ارزش دفتری به ارزش بازار سهام
$StdCFO_{it}$: انحراف معیار جریان نقدی
Logopcycle: چرخه عملیاتی

جهـت آزمـون فرضیه‌های پژوهش معنی داری ضرایب از طریـق آزمون Z بررسی شد. برای سنجـش اعتبار کل مدل از آزمـون والد[1] استفاده گردید و در نهایت از ضریب تعیین تعدیل شده جهت تعیین نیکویی برازش استفاده گردید.

۷- یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو قسمت آمار توصیفی و آمار استنباطی ارایه گردیده است:

۷-۱- آمار توصیفی

بـرای ارائه یک نمای کلـی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، برخی از مفاهیم آمار توصیفـی ایـن متغیرها، شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینـه و انحراف معیار در جدول ۱ ارایه شده است:

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرها با ترمیم نمودن آنها (وینزورایزینگ[2])

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
AQ	۱۰۳۰	۰/۱۱۴	۰/۲۳۲	۰/۰۳۹	۰/۰۵۳	۰/۶۲۳	۲/۵۲۱
BAspread	۱۰۳۰	۰/۰۲۲	۰/۰۴۱	۰/۰۰۴	۰/۰۱۰	۰/۱۷۲	۱/۹۸۵
Size	۱۰۳۰	۱۳/۷۷	۱۶/۳۵	۱۱/۶۷	۱/۲۱	۰/۲۵۷	۲/۵۱۱
CFO	۱۰۳۰	۰/۱۳۴	/۳۸۰	-۰/۰۴۶	۰/۱۱۵	۰/۴۸۹	۲/۵۱۲
In-dgrowth	۱۰۳۰	۰/۱۷۰	۰/۶۲۲	-۰/۲۴۱	۰/۲۲۷	۰/۰۷۴	۲/۶۰۳
BTM	۱۰۳۰	۰/۲۷۳	۰۱/۱۰۷	۰/۰۲۷	۰/۳۱	۱/۶۱۳	۴/۴۵۱
stdCFO	۱۰۳۰	۰/۰۷۴	۰/۱۷۶	۰/۰۲۶	۰/۰۳۹	۰/۹۶۲	۳/۲۸۲
logopcycle	۱۰۳۰	۵/۳۰۹	۶/۲۲۳	۴/۱۱۸	۰/۶۰۴	-۰/۴۲۷	۲/۲۷۹

* منبع: یافته‌های پژوهش

1. Wald
2. Winsorizing

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

جدول ۲- توزیع فراوانی متغیر مجازی تصدی حسابرس و تخصص حسابرس

	فراوانی	درصد فراوانی
D0	۲۴۱	۲۳/۴
D1	۲۵۷	۲۵
D2	۱۹۳	۱۸/۷
D3	۱۲۷	۱۲/۳
D4	۲۱۲	۲۰/۶
جمع	۱۰۳۰	۱۰۰
تخصص حسابرس		
شرح	فراوانی	درصد فراوانی
حسابرس تخصص در صنعت ندارد	۳۲۲	۳۱/۲۶
حسابرس تخصص در صنعت دارد	۷۰۸	۶۸/۷۴
کل	۱۰۳۰	۱۰۰

* منبع : یافته‌های پژوهش

در ایـن پژوهش به جای حذف مشاهدات پرت از طریـق اجرای روش وینزورایزینگ اقدام به ترمیـم آنها شده است. مقدار میانگین دقیقاً در نقطه تعـادل و مرکز ثقل داده‌ها قرار می‌گیرد به عنوان مثال میانگین متغیر عدم تقارن اطلاعاتی برابر با ۰/۰۲۲ است یعنی به طور متوسط دامنه تفـاوت قیمت پیشنهـادی خرید و فروش سهام برابر با ۰/۰۲۲ اسـت. بیشترین و کمترین مقدار انحـراف معیار به ترتیب مربوط به متغیر انـدازه شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی است. در خصوص متغیر مجازی تخصص حسابرس در صنعت میزان فراوانی آن نشان داد که در ۷۰۸ سال- شرکت از ۱۰۳۰ سال-شرکـت حسابرس دارای تخصص در صنعت بوده است. میزان چولگی و کشیدگی متغیرهـا بـه غیر از دو متغیر ارزش دفتری به بازار سهام و انحراف معیار جریان نقدی در بازه (۳، ۳-) می‌باشد به عبارتی از توزیع نرمال برخوردار هستند.

۷-۲- آمار استنباطی

۷-۲-۱- پیش آزمون‌های مربوط به مدل‌های رگرسیونی

نوع داده‌های پژوهش حاضر داده‌های ترکیبی است، در این نوع داده‌ها به منظور انتخاب بین

روش داده‌های تابلویی(پانل)[1] و تلفیقی[2] از آزمون F لیمر[3] و هاسمن[4] استفاده شده است. خلاصه نتایج این آزمون‌ها به شرح جدول۳ ارائه شده است. لازم به توضیح است که مدل‌های پژوهش به صورت مجزا برای تصدی دو سال تا بیش از چهار سال حسابرس (D1 تا D4) برآورد گردیده‌اند:

جدول۳- نتایج آزمون‌های تعیین نوع داده‌ها

نوع مدل	نوع آزمون	D1 آماره prob	D2 آماره prob	D3 آماره prob	D4 آماره prob	نتیجه آزمون
مدل ۱ (مدل آزمون فرضیه اول و دوم)	F لیمر	۴/۸۶ (۰/۰۰۰)	۴/۸۷ (۰/۰۰۰)	۴/۸۷ (۰/۰۰۰)	۴/۹۳ (۰/۰۰۰)	داده‌های پانل (تابلویی)
	هاسمن	۱۹/۸۲ (۰/۰۱۱)	۲۲/۶۸ (۰/۰۰۳)	۱۹/۰۸ (۰/۰۱۴)	۱۹/۷۹ (۰/۰۱۱)	اثرات ثابت
مدل ۲ (مدل آزمون فرضیه سوم و چهارم)	F لیمر	۴/۸۲ (۰/۰۰۰)	۴/۸۳ (۰/۰۰۰)	۴/۸۹ (۰/۰۰۰)	۴/۷۳ (۰/۰۰۰)	داده‌های پانل (تابلویی)
	هاسمن	۱۵/۷۰ (۰/۰۲۸)	۱۴/۸۰ (۰/۰۳۸)	۵۲/۱۸ (۰/۰۰۰)	۱۴/۷۷ (۰/۰۳۹)	اثرات ثابت

* منبع: یافته‌های پژوهش

بـا تـوجه به اینکه مقـدار احتمال به دسـت آمده از آزمـونF لیمر برای هر تمامی تخمین‌ها برابـر بـا ۰/۰۰۰ اسـت، فرض صـفر رد می‌شـود و روش داده‌های تابلویی (پانـل دیتا) پذیرفته می‌شـود. در نهایـت با انجام آزمـون هاسمن بین روش اثرات ثابت و تصادفـی، روش اثرات ثابت انتخـاب شد زیرا سطح احتمال‌هـای بدست آمده کمتر از ۵٪ است. جهـت تشخیص ناهمسانی واریانس جملات خطا از آزمون والد تعدیل شده و جهت تشخیص خودهمبستگی سریالی جملات خطا از آزمون والدریج استفاده گردید. نتایج این دو آزمون در جدول ۴ نشان داده شده است:

جدول۴- آزمون تشخیص ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی

نوع مدل	نوع آزمون	D1 آماره prob	D2 آماره prob	D3 آماره prob	D4 آماره prob	نتیجه آزمون
مدل ۱ (آزمون فرضیه اول و دوم)	والد تعدیل شده	۱۰۱۳۶/۶۴ (۰/۰۰۰)	۸۳۱۴/۰۷ (۰/۰۰۰)	۷۶۰۱/۰۱ (۰/۰۰۰)	۸۵۹۵/۵۲ (۰/۰۰۰)	ناهمسانی واریانس
	والدریج	۲۳۰/۶۱ (۰/۰۰۰)	۲۳۲/۵۰ (۰/۰۰۰)	۲۲۹/۴۲ (۰/۰۰۰)	۲۳۱/۲۸ (۰/۰۰۰)	خودهمبستگی سریالی

1. Panel Data
2. Pooled Data
3. F Limer
4. Hausman

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

مدل ۲ (آزمون فرضیه سوم و چهارم)	والد تعدیل شده	۱۰۸۱۰/۳۰ (۰/۰۰۰)	۶۲۰۸/۴۸ (۰/۰۰۰)	۹۴۳۰/۹۷ (۰/۰۰۰)	۹۸۸۷/۳۶ (۰/۰۰۰)	ناهمسانی واریانس
	والدریج	۲۳۶/۸۵ (۰/۰۰۰)	۲۲۹/۲۸ (۰/۰۰۰)	۲۲۹/۲۷ (۰/۰۰۰)	۲۲۸/۰۰ (۰/۰۰۰)	خودهمبستگی سریالی

* منبع : یافته‌های پژوهش

سطح معنـی‌داری این آزمون‌ها برای تمامی تخمین‌ها کمتـر از ۵٪ است. بنابراین مدل‌های پژوهـش دارای مشکـل ناهمسانی واریانـس و خودهمبستگی سریالی هستنـد. این دو مشکل با تخمیـن مدل‌ها به روش خطای استانـدارد تصحیح شده پانل[1] (PCSE) و اضافه کردن (AR1) در تخمین‌های نهایی مرتفع گردید.

۷-۲-۲- آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش

بـرای آزمـون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش از مدل رگرسیونی ۱ استفاده شد و نتایج این دو فرضیه در جدول ۵ ارایه گردید. برای آزمون فرضیه سوم و چهارم پژوهش نیز از مدل ۲ استفاده شـد و نتایج این دو آزمون نیز در جـدول ۶ ارایه شد. این مدل‌ها برای تصدی دو سال تا بیش از چهار سال حسابرس(D1 تا D4) به صورت جداگانه تخمین زده شده‌اند.

جدول۵- تخمین نهایی مدل آزمون فرضیه اول و دوم

$$xt\ pcse\ AQ_{i,t} = \beta_0 + \sum_{i=1}^{4}\beta_i D_{it} + \beta_2 Specialist_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 CFO_{i,t} + \beta_5 Ind_growth_{i,t} + \beta_6 BTM_{i,t} + \beta_7 stdcfo_{i,t} + \beta_8 logopcycle_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

روش برآورد: رگرسیون پرایس- وینستن
(جهت رفع همزمان مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی)

متغیر وابسته: کیفیت سود (AQ)

نام متغیر	D1 ضریب آماره Z p-value	D2 ضریب آماره Z p-value	D3 ضریب آماره Z p-value	D۴ ضریب آماره Z p-value
D	۰/۰۰۱ (۱/۲۹) (۰/۱۹۶)	*۰/۰۰۲ (۲/۳۶) (۰/۰۱۸)	*۰/۰۰۳ (۲/۵۴) (۰/۰۱۱)	*-۰/۰۰۶ (-۲/۴۵) (۰/۰۱۴)
SPECIALIST	-۰/۰۰۳* (-۱/۹۷) (۰/۰۴۹)	-۰/۰۰۳* (-۲/۱۶) (۰/۰۳۱)	-۰/۰۰۳* (-۱/۹۷) (۰/۰۴۹)	-۰/۰۰۳* (-۲/۷۴) (۰/۰۰۶)

1. Panel Corrected Standard Errors

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

Size	۰/۰۰۶* (۷/۸۰) (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۶* (۷/۴۴) (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۶* (۷/۶۸) (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۶* (۱۰/۹۷) (۰/۰۰۰)
CFO	۰/۰۰۱ (۰/۳۹) (۰/۶۹۵)	۰/۰۰۲ (۰/۵۶) (۰/۵۷۵)	۰/۰۰۲ (۰/۴۹) (۰/۶۲۳)	۰/۰۰۲ (۰/۷۴) (۰/۴۵۹)
In-dgrowth	۰/۰۰۳* (۲/۰۹) (۰/۰۳۷)	۰/۰۰۴* (۲/۲۰) (۰/۰۲۸)	۰/۰۰۴* (۲/۳۲) (۰/۰۲۱)	۰/۰۰۳* (۲/۹۴) (۰/۰۰۳)
BTM	-۰/۰۰۵* (-۲/۸۳) (۰/۰۰۵)	-۰/۰۰۵* (-۳/۰۳) (۰/۰۰۲)	-۰/۰۰۵* (-۲/۸۷) (۰/۰۰۴)	-۰/۰۰۵* (-۴/۱۵) (۰/۰۰۰)
stdcfo	-۰/۰۸۱ (-۱/۳۸) (۰/۱۶۶)	-۰/۰۷۱ (-۱/۲۳) (۰/۲۱۹)	-۰/۰۷۱ (-۱/۳۱) (۰/۱۹۱)	-۰/۰۶۷ (-۱/۶۲) (۰/۱۰۵)
logopcycle	۰/۰۰۷* (۲/۱۷) (۰/۰۳۰)	۰/۰۰۷* (۲/۱۹) (۰/۰۲۹)	۰/۰۰۷* (۲/۲۰) (۰/۰۲۸)	۰/۰۰۴ (۱/۶۹) (۰/۰۹۰)
β۰	-۰/۰۱۴ (-۰/۷۴) (۰/۴۶۰)	-۰/۰۱۰ (-۰/۵۴) (۰/۵۸۹)	-۰/۰۱۳ (-۰/۶۸) (۰/۴۹۸)	۰/۰۰۳ (۰/۲۱) (۰/۸۳۳)
آماره والد	۲۱/۷۴	۲۱/۵۴	۲۲/۶۸	۲۱/۷۸
سطح معنی داری والد	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵
ضریب تعیین	۰/۴۳۱	۰/۴۳۵	۰/۴۳۸	۰/۴۴
مشاهدات	۱۰۳۰	۱۰۳۰	۱۰۳۰	۱۰۳۰

* معنی داری در سطح ۵٪ منبع: یافته‌های پژوهش

مطابـق جـدول ۵ ضریب β0 یا همـان عرض از مبـدا بیانگر شرکت‌هایی اسـت که در آنها حسابـرس فقط یکسال حضور داشته است بـه عبارتی استمرار حسابرسی وجود نداشته است. در تخمیـن اول ضریـب D1 به میزان ۰/۰۰۱ اسـت. با توجه به آماره Z به دسـت آمده برای این متغیر که برابر با ۱/۲۹ و سطح معنی‌داری بیشتر از ۵٪ لذا این ضریب معنی‌دار نیست به عبارتی تصدی دو سال حسابرس تاثیری بر کیفیت سود ندارد. در تخمین دوم آماره Z بدست آمده برای ضریـب متغیر D2 برابر با ۲/۳۶ است کـه مقدار این آماره معنی دار است زیرا سطح معنی داری آن کمتـر از ۵٪ است. بنابراین فرضیه اول پژوهـش رد نمی‌شود. از آنجایی که میزان این ضریب ۰/۰۰۲ است می‌توان بیان کرد که با تصدی سه سال (کوتاه مدت) خطای برآوردی مدل کیفیت

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

اقــلام تعهدی افزایــش می‌یابد و در نتیجه باعث کاهش کیفیت ســود شرکت می‌شود. به عبارت بهتــر تصدی سه ساله حسابرس (کوتاه مدت) کیفیت اقلام تعهدی را کاهش می‌دهد. در تخمین سوم آماره Z بدست آمده برای ضریب متغیر D3 برابر با ۲/۵۴ است که مقدار این آماره معنی‌دار است. زیرا سطح معنی‌داری آن کمتر از ۵٪ است پس فرضیه اول رد نمی‌شود. از آنجایی که میزان این ضریب ۰/۰۰۳ است می‌توان بیان کرد که با تصدی چهار سال حسابرس (کوتاه‌مدت) خطای برآوردی مدل کیفیت اقلام تعهدی افزایش می‌یابد و در نتیجه باعث کاهش کیفیت سود می‌شود. به عبارت بهتر تصدی چهار ساله حسابرس (کوتاه‌مدت) کیفیت اقلام تعهدی را کاهش می‌دهد.

در تخمین چهارم آماره Z بدست آمده برای ضریب متغیر D4 برابر با ۲/۴۵- است که مقدار این آماره معنی‌دار است زیرا سطح احتمال آن کمتر از ۵٪ است، بنابراین فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شــود. از آنجایی که میزان این ضریــب ۰/۰۰۶- است می‌توان بیان کرد که با تصدی بیش از چهار سال (بلندمدت) خطای برآوردی مدل کیفیت اقلام تعهدی کاهش می‌یابد و در نتیجه باعث افزایش کیفیت سود شرکت می‌شود. به عبارت بهتر با افزایش تصدی بلندمدت حسابرس، کیفیت اقــلام تعهدی افزایش می‌یابد. در خصوص تفسیر معکوس ضرایب تخمینی D1 الی D4 لازم به توضیــح اســت از آنجایی که جز پسماندهای مدل اقلام تعهدی دچــو و دیچو (۲۰۰۲)، شاخصی معکوس از کیفیت سود است و این پسماند نشان دهنده کاهش کیفیت سود است، بنابراین منفی شدن ضریب D4 حکایت از رابطه مستقیم با کیفیت سود دارد، همچنین مثبت بودن ضریب D1، D2 و D3 حکایت از رابطه معکوس با کیفیت سود دارد.

از میان متغیرهای کنترلی ضریب متغیرهای تخصص حسابرس در صنعت، اندازه شرکت، رشد صنعــت و نسبت ارزش دفتری به ارزش بــازار سهام و چرخه عملیات، بر کیفیت اقلام تعهدی اثر گذار است لذا کنترل آنها در پژوهش‌های آتی لازم است. نتایج به دست آمده برای سطح احتمال آمــاره والــد در چهار مدل برآورد شده در جدول ۵ حکایت از تاییــد اعتبار کل مدل‌های تخمین زده شده دارد.

۷-۲-۳- آزمون فرضیه سوم و چهارم پژوهش

همانگونه که قبلا ۲ استفاده شده است این مدل نیز به صورت مجزا برای تصدی دو سال تا بیش از چهار سال حسابرس (D1 تا D4) برآورد گردیده است. نتایج این دو فرضیه در جدول ۶ ارایه شده است. جهت آزمون فرضیه سوم و چهارم معنی‌داری ضریب تعاملی عدم تقارن اطلاعاتی و تصدی حسابرس بررسی می‌گردد.

جدول ۶- تخمین نهایی مدل آزمون فرضیه سوم و چهارم

$$xt\ pcse\ AQ_{i,t} = \beta_0 + \sum_{i=1}^{4} \beta_i D_{it} + \beta_2\ BASPREAD_{i,t} + \sum_{i=1}^{4} \gamma_i\ D_{it} *\ BASPREAD_{i,t} + \beta_4 Specialist_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 CFO_{i,t} + \beta_7 Ind_growth_{i,t} + \beta_8 BTM_{i,t} + \beta_9 stdcfo_{i,t} + \beta_{10} logopcycle_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

روش برآورد: رگرسیون پرایس- وینستن
(جهت رفع همزمان مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی)

متغیر وابسته: کیفیت سود (AQ)

نام متغیر	D1 ضریب آماره Z p-value	D2 ضریب آماره Z p-value	D3 ضریب آماره Z p-value	D4 ضریب آماره Z p-value
D	-۰/۰۰۴ (-۰/۸۵) (۰/۳۹۶)	❋۰/۰۰۴ (۳/۱۰) (۰/۰۰۲)	❋۰/۰۱۲ (۶/۴۶) (۰/۰۰۰)	❋-۰/۱۳۰ (-۴/۹۵) (۰/۰۰۰)
BAspread	-۰/۴۹۶ (-۱/۷۱) (۰/۰۸۶)	-۰/۴۱۰❋ (-۳/۲۳) (۰/۰۰۱)	-۰/۴۰۴❋ (-۳/۲۰) (۰/۰۰۱)	-۰/۴۱۳❋ (-۳/۷۸) (۰/۰۰۰)
D❋BAspread	۰/۲۳۶ (۱/۱۹) (۰/۲۳۵)	۰/۱۲۳❋ (۲/۰۱) (۰/۰۴۵)	۰/۵۷۹❋ (۶/۳۳) (۰/۰۰۰)	-۳/۴۳۴❋ (-۴/۸۳) (۰/۰۰۰)
SPECIALIST	-۰/۰۰۳❋ (-۲/۰۴) (۰/۰۴۱)	-۰/۰۰۳❋ (-۲/۱۳) (۰/۰۳۳)	-۰/۰۰۳❋ (-۲/۲۱) (۰/۰۲۷)	-۰/۰۰۲❋ (-۲/۰۸) (۰/۰۳۷)
Size	۰/۰۰۶❋ (۷/۳۸) (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۶❋ (۶/۸۸) (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۶❋ (۷/۵۴) (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۶❋ (۱۰/۲۸) (۰/۰۰۰)
CFO	۰/۰۰۱ (۰/۳۸) (۰/۷۰۵)	۰/۰۰۲ (۰/۵۳) (۰/۵۹۹)	۰/۰۰۴ (۰/۹۴) (۰/۳۴۷)	۰/۰۰۱ (۰/۵۳) (۰/۵۹۷)
In-dgrowth	۰/۰۰۳❋ (۲/۰۵) (۰/۰۴۰)	۰/۰۰۳❋ (۲/۱۷) (۰/۰۳۰)	۰/۰۰۳❋ (۲/۱۱) (۰/۰۳۵)	۰/۰۰۳❋ (۳/۰۱) (۰/۰۰۳)
BTM	-۰/۰۰۵❋ (-۲/۹۴) (۰/۰۰۳)	-۰/۰۰۵❋ (-۳/۰۳) (۰/۰۰۲)	-۰/۰۰۵❋ (-۲/۸۸) (۰/۰۰۴)	-۰/۰۰۵❋ (-۴/۱۶) (۰/۰۰۰)

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

stdcfo	-۰/۰۶۲ (-۱/۰۶) (۰/۲۸۸)	-۰/۰۶۰ (-۱/۰۴) (۰/۲۹۶)	-۰/۰۵۱ (-۰/۸۷) (۰/۳۸۳)	-۰/۰۱۵ (-۰/۳۶) (۰/۷۲۱)
logopcycle	۰/۰۰۲ (۰/۶۱) (۰/۵۴۰)	۰/۰۰۲ (۰/۷۱) (۰/۴۷۶)	۰/۰۰۲ (۰/۵۲) (۰/۶۰۶)	۰/۰۰۲ (۰/۷۸) (۰/۴۳۲)
β0	۰/۰۲۹ (۱/۲۵) (۰/۲۱۱)	۰/۰۳۰ (۱/۳۲) (۰/۱۸۶)	۰/۰۲۷ (۱/۲۰) (۰/۲۳۰)	۰/۰۵۲ (۲/۸۵) (۰/۰۰۴)
آماره والد	۲۵/۵۶	۲۴/۱۳	۳۵/۳۶	۲۴/۴۳
سطح معنی داری والد	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶
ضریب تعیین	۰/۴۴۱	۰/۴۴۳	۰/۴۵۰	۰/۴۳۰
مشاهدات	۱۰۳۰	۱۰۳۰	۱۰۳۰	۱۰۳۰

* معنی‌داری در سطح ۵٪ منبع: یافته‌های پژوهش

مطابـق جدول ۶ از آنجایـی که آمارهZ بدست آمده برای متغیـر تعامل D1*BAspread در تخمیـن اول برابـر با ۱/۱۹ است و سطح احتمال آن بیشتـر از ۵٪ است لذا ضریب این متغیر معنـی دار نیسـت. بنابراین عدم تقارن اطلاعاتـی بر رابطه تصدی دو سـال حسابرس و کیفیت سـود نقش تعدیل کنندگی نـدارد. در تخمین دوم آمارهZ به دست آمـده برای متغیر تعامل D2*BAspread برابر با ۲/۰۱ است و سطح احتمال آن کمتر از ۵٪ است؛ لذا ضریب این متغیر معنی‌دار است و فرضیه سوم رد نمی‌شود. مقدار ضریب این متغیر ۰/۱۲۳ که در مقایسه با ضریب D۲ افزایـش یافته به عبارت دیگر عـدم تقارن اطلاعاتی تاثیر منفی تصـدی سه سال حسابرس (کوتاه مدت) بر کیفیت اقلام تعهدی را تشدید می‌کند. بنابراین می‌توان بیان کرد در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالا است تاثیر تصدی کوتاه‌مدت حسابرس بر کیفیت سود نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر است. در تخمین سوم آمارهZ بدست آمده برای متغیر تعامل D3*BAspread برابـر بـا ۶/۳۳ است و سطح احتمال آن کمتر از ۵٪ است لـذا ضریب این متغیر معنی‌دار است و فرضیـه سوم رد نمی‌شود. مقدار ضریب این متغیر ۰/۵۷۹ کـه در مقایسه با ضریب D3 افزایش یافته به عبارت دیگر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر منفی تصدی چهار سال حسابرس (کوتاه مدت) بر کیفیـت اقلام تعهدی را تشدید می‌کند. بنابراین می‌توان بیان کرد در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتـی بالا است تاثیر تصـدی کوتاه‌مدت حسابرس بر کیفیت سـود نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر است.

در تخمیـن چهارم آمارهZ بدست آمده برای متغیر تعامل D4*BAspread برابر با ۴/۸۳- اسـت و سطح احتمال آن کمتر از ۵٪ است؛ لذا ضریب این متغیر معنی‌دار است و فرضیه چهارم رد نمی‌شـود. مقدار ضریب این متغیر ۳/۴۳۴- کـه در مقایسه با ضریب D4 منفی‌تر شده است.

بـه عبارت دیگر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر مثبت تصدی بیش از چهار سال حسابرس (بلندمدت) بـر کیفیت اقلام تعهـدی را تشدید می‌کند. بنابرایـن می‌توان بیان کرد تاثیـر تصدی بلندمدت حسابـرس بر کیفیت سود در شرکت‌های با عدم تقـارن اطلاعاتی بالاتر در مقایسه با شرکت‌های با عـدم تقارن اطلاعاتی پایین‌تر بیشتر است. در خصوص تفسیـر معکوس ضرایب تخمینی *DBAspread لازم بـه توضیح اسـت از آنجایی که جز پسماندهای مدل اقلام تعهدی دچو و دیچو (۲۰۰۲)، شاخصـی معکوس از کیفیت سود است و این پسماند نشان دهنده کاهش کیفیت سود اسـت، بنابراین تفسیر ضرایب بایـد به شکل معکوس صورت گیرد. سطـح معنی‌داری آماره والد برای چهار مدل تخمین زده شده در جدول ۶ کمتر از ۵٪ است لذا در حالت کلی هر چهار مدل معنی‌دار هستند و اعتبار دارند.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

همـان طوری که در مبانی نظری این پژوهش آمده است دو دیدگاه در خصوص دوره تصدی حسابرسی مطرح گردیده است، دیدگاه اول مربوط به فرضیه یادگیری و تخصص (دیدگاه افزاینده کیفیـت حسابرسـی و کیفیت سود) و دیدگاه دوم مربوط به فرضیـه استقلال حسابرس (دیدگاه کاهنـده کیفیـت حسابرسی و کیفیت سـود) می‌باشد. نتایج حاصل از فرضیـه اول نشان داد که تصدی کوتاه مدت حسابرس بر کیفیت سود تاثیر منفی دارد. در خصوص فرضیه دوم نتایج نشان داد کـه تصـدی بلندمدت حسابرس بر کیفیت سود تاثیر مثبـت دارد. به بیان دیگر هر چه مدت همکاری حسابـرس و صاحبکار افزایش یابد، کیفیت سود افزایش می‌یابد که بیانگر تایید دیدگاه اول یعنـی فرضیه تخصص حسابرس است و دیدگاه دوم یعنی فرضیه استقلال حسابرس را نقض می‌نماید. روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار منجر به شناخت عمیق‌تر حسابرس از ساختار کنترل‌های داخلی صاحبکار شده و اثربخشی بیشتر فرآیند حسابرسی را در پی خواهد داشت. به موازاتی که حسابرس دانش بیشتری از این تیزبینی مدیر با افزایش دوره تصدی به دست می‌آورد ارزیابـی وی در مورد روش‌هـای حسابداری و اقلام تعهدی بهتر شـده و احتمالا خطاهای بالقوه و برآوردهـای گمـراه کننده را کشف می‌کند. بنابراین کیفیـت حسابرسی با دوره تصدی افزایش می‌یابد و به دنبال آن کیفیت سود افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های لئونگ و همکـاران (۲۰۱۷)، اگـاز و راهمینا (۲۰۱۴)، گل و همکـاران (۲۰۰۹)، گوش و مون (۲۰۰۵)، قیطاسـی و همکاران (۱۳۹۲)منطبق می‌باشد زیرا آنهـا نیز در پژوهش‌های خود بیان نمودند که بـا افزایش تصدی کیفیـت حسابرسی و کیفیت سود افزایش می‌یابد. چـای و همکاران (۲۰۰۹) نشـان دادند تصـدی بلندمدت حسابرس، اثربخشـی بیشتر فرآیند حسابرسـی را در پی خواهد داشـت بنابراین نتایـج فرضیه دوم با این تحقیق همسو است. لئونـگ و همکاران (۲۰۱۷) نشان می‌دهنـد تصدی کوتاه مدت حسابرس بـه دلیل کامل نشدن فرآیند کسب شناخت، حسابرس را در کشـف برآوردهای حسابداری ناتوان می‌کنـد بنابراین نتایج فرضیه اول با این پژوهش منطبق اسـت. اگاز و راهمینـا (۲۰۱۴) بیان می‌کند چرخش اختیاری حسابرس می‌تواند منجر به کاهش

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

هزینه‌هـای نمایندگی گردد. همچنیـن مخالف با نتایج پژوهش‌هـای هوهنفلس (۲۰۱۶) چویی و دوگـار (۲۰۰۵)، داویـس و همکاران (۲۰۰۹)، وانسترالـن (۲۰۰۰)، مایرز و همکاران (۲۰۰۳)، کاشانی‌پـور و همکـاران (۱۳۹۱)، نمازی و همکـاران (۱۳۹۰)، رجبـی (۱۳۸۵) است. به اعتقاد مایرز و همکاران (۲۰۰۳) چرخش اجباری حسابرس از شکل گیری روابطی که می‌تواند استقلال حسابرس را خدچه دار کند جلوگیری می‌کند. همواره مطالعات مختلفی پیرامون این دو دیدگاه رقیـب انجـام شده است و با توجه به نتایـج ضد و نقیض نمی‌توان یک دیدگـاه را به طور کامل پذیرفـت یـا دیدگاه دیگر را به طور کامل رد کرد. بنابراین ضـروری است با در نظر گرفتن معیار عـدم تقارن اطلاعاتی بـا اطمینان بیشتری نسبت به این دو دیدگاه یکـی را انتخاب کرد. نتیجه آزمـون فرضیه سوم نشان داد که در شرایط عدم تقـارن اطلاعاتی تاثیر منفی تصدی کوتاه‌مدت حسابـرس بر کیفیت سـود تشدید می‌شود. در خصوص فرضیه سـوم می‌توان این گونه استدلال نمـود که حسابرس بـا تصدی کوتاه‌مدت شناخت کافی از محیط صاحبکار کسب نمی‌کند، حتی اگـر متخصـص در صنعت باشد زیرا در یـک شرکت ویژگی‌هایی وجود دارد کـه منحصر به فرد اسـت. در این شرایط یادگیری حسابرس کامـل نمی‌شود و این امر می‌تواند کیفیت حسابرسی را تضعیـف کنـد. این مطلب مربوط به شخص حسابرس است؛ حـال اگر در یک شرکت عدم تقارن اطلاعاتی بالا باشد (شرایطی که شرکت به حسابرس تحمیل می‌کند)، سختی یادگیری، آگاهی و شناخت حسابرس دو چندان می‌شود. در این شرایط حسابرس قادر به شناسایی اطلاعات محرمانه مدیـران در برنامه حسابرسی نیست و به احتمال زیاد اثـر منفی فزاینده‌ای بر کیفیت حسابرسی و کیفیـت سود می‌گذارد. نتیجه آزمون فرضیه چهارم نشان داد که تاثیر مثبت تصدی بلندمدت حسابـرس بر کیفیت سود در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا نسبت به شرکت‌های با عدم تقـارن اطلاعاتی پایین‌تر شدیدتر است. به عبارت دیگـر می‌توان گفت که بهبود در کیفیت سود ناشـی از تصدی حسابرس طولانی‌تـر، برای شرکت‌هایی که عدم تقـارن اطلاعاتی بالاتری دارند بیشتر است. حسابرس در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر نیازمند دانش خاص صاحبکار اسـت کـه نمی‌تواند آنها را از طریـق تجربه عمومی و تخصص در صنعت بـه دست آورد. تصدی طولانی‌تر حسابرس به او در دستیابی به اطلاعات این چنینی کمک می‌کند و کیفیت حسابرسی را افزایـش و به طبع آن کیفیت سود افزایش می‌یابد. بنابراین منفعت تصدی طولانی‌تر حسابرس در شرکت‌هـای بـا عدم تقـارن اطلاعاتی بالاتر، بیشتـر است. به عبارت دیگـر زمانی که تصدی حسابـرس بلند مدت باشد، می‌تواند منشأ عدم تقارن اطلاعاتی را به خوبی شناسایی کند و از آن برای بهبود کیفیت حسابرسی بهره برداری نماید در این شرایط کیفیت سود بهبود چشمگیرتری خواهد داشت. از طرفی می‌توان نتیجه گرفت که مدیران در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالا است تمایل به تصدی کوتاه‌مدت حسابرس دارند زیرا در صورت تصدی بلندمدت راه آنها برای دستکـاری در صورت‌های مالی بسته می‌شود. یافته‌های فرضیـه سوم و چهارم با پژوهش لئونگ و همکـاران (۲۰۱۷)، الماتاری و همکـاران (۲۰۰۹)، پترسون و همکاران (۲۰۱۵) منطبق است. نتایـج پژوهـش نشان داد که به احتمال زیاد مزایای کسب اطلاعـات منحصر به فرد صاحبکار به

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

واسطه تصدی بلندمدت حسابـرس در شرکت‌هایی که سطح عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری دارند، بیشتر از معایب از بین رفتن استقلال حسابرس به خاطر تصدی بلندمدت است. نهادهای نظارتی هرگـاه رسوایی‌های مالی در بازار سرمایه اتفاق افتاده است بـا تدوین قوانینی خواستار استقلال بیشتـر حسابرسان شده‌اند، بدون در نظر گرفتن اینکـه آثار اجتماعی و اقتصادی آن بر شرکت‌ها چگونـه است. اگر منافع اجباری بودن چرخش حسابـرس کمتر از مخارج اجباری بودن چرخش حسابـرس باشد، می‌تواند به منافـع سهامداران آسیب بزند. از آنجایی کـه در بازار سرمایه ایران کارایی ضعیف است، با احتمال زیاد ناقرینگی اطلاعاتی میان افراد درون شرکت و بیرون از شرکت وجـود دارد. در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی به دلیـل نبود یک جریان هموار اطلاعاتی بین مدیر و حسابـرس، محیط اطلاعاتی شرکـت برای حسابرسان ابهام بیشتـری دارد حتی اگر حسابرس متخصـص در صنعت باشد. در این شرایط تصدی طولانی مدت نسبت به تصدی کوتاه‌مدت منجر به افزایش آگاهی حسابـرس در تعیین مطلوبیت کیفیت سود می‌شود. بنابراین نتایج این مطالعه نگرانی سازمان بورس را در خصوص چرخش اجباری حسابرس در هر ۴ سال، به منظور جلوگیری از ایجـاد روابطی که ممکن اسـت باعث خدشه‌دار شدن استقلال حسابـرس و در نتیجه کاهش کیفیـت حسابرسی شود را برطرف می‌نماید و حتـی پیشنهاد می‌نماید که دوره چرخش اجباری مؤسسـات حسابرسی به ۵ سال یا بیشتر، افزایش یابد که باعث افزایش توأم کیفیت حسابرسی و همچنیـن کاهش هزینه‌های حسابرسی ناشی از چرخـش حسابرس می‌گردد. همچنین پیشنهاد می‌گـردد سرمایه‌گذاران در هنگام بررسی کیفیـت صورت‌های مالی دوره تصدی حسابرسی را به عنوان یک عامل اثر گذار در تصمیم‌گیری‌های خود وارد کنند. همچنین در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاست ابهام بیشتر و افشای کمتری نسبت به شرکت‌هایی که شفاف هستند رخ می‌دهد که منجر به اختلال در عرضه اطلاعات به بازار و افزایش نوسانات قیمت سهام می‌گردد.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. ابراهیمـی کردلـر، علی و حامد ذاکری. (۱۳۸۸). بررسی مدیریت سود بـا استفاده از فروش دارایی‌ها. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱(۳) : ۱۳۵-۱۲۲.

۲. احمدپور، احمد و امیر رسائیان (۱۳۸۵). رابطهٔ بین معیارهای ریسک واختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، ۴۶: ۶۰-۳۷.

۳. اعتمـادی، حسین؛ محمدی، امیـر و مهدی ناظمی اردکانی(۱۳۸۸)، بررسی رابطـه بین تخصص در صنعت و کیفیـت سود در شرکت‌هـای پذیرفته شده بورس اوراق بهـادار تهران. پژوهش‌های حسابـداری مالی، ۱(۲): ۸۸-۶۴.

۴. بولـو، قاسم.(۱۳۸۵). هزینـه حقوق صاحبان سهام و ویژگیهای سود. پایان نامـه دکتری حسابداری؛ دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.

۵. ثقفـی، علی، بولـو، قاسم و محمد مهدی دانـا. (۱۳۹۴). رابطه کیفیت سود و عدم تقـارن اطلاعاتی. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۶: ۱۶-۱.

۶. حساس یگانه، یحیی، محمودی، مهدی و رسول ذبیحی. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر دوره تصدی حسابرس بر کیفیت گزارشگـری مالی شرکت‌هـای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامـه بورس اوراق بهادار تهران،

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

۳۷: ۶۶-۴۱.

۷. خـدادادہ شاملـو، ناصر و یونس بـادآور نهندی. (۱۳۹۶). تأثیـر تخصص حسابرس در صنعـت و دورۀ تصدی حسابـرس بر قابلیت مقایسـۀ صورت‌های مالی با تأکید بر چرخۀ عمر شرکـت. فصلنامه پژهشهای حسابداری مالی، ۳۲: ۱۲۷-۱۰۵.

۸. رجبی، روح‌اله. (۱۳۸۵). چالش‌های تعویض حسابرس. مجله حسابدار رسمی، ۸ : ۵۳- ۶۲.

۹. رحیمیـان، نظام الدین، همتی، حسـن و ملیحه سلیمانی فرد. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقـارن اطلاعاتی در شرکت‌هـای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجلـه دانش حسابداری، ۱۰(۲): ۱۵۷-۱۸۱.

۱۰. سجادی، سید حسین و محمدی، کامران. (۱۳۹۲). مفهوم کیفیت سود و روش‌های ارزیابی آن. فصلنامه دانش حسابداری، ۱۷ : ۵۱-۳۵.

۱۱. طالبپور اصل، رزگار، قهرمانی، محمدامین، هاشم وارسته (۱۳۹۷). بررسی تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بـر کیفیت حسابرسی در شرکت‌هـای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهـران. فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۸(۷۳): ۲۰۹-۱۸۷.

۱۲. علـوی طبری، سیدحسین و بذرافشان، آمنه. (۱۳۹۲). کیفیت سود: شواهدی از نقش دوره تصدی حسابرس و تخصص در صنعت. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۲(۷): ۱۰۱- ۹۱.

۱۳. عزیزخانـی، مسعـود، داغانی، رضا و مژگـان احمدیان. (۱۳۹۵). تاثیر سیاست چرخـش اجباری حسابرس بر حق‌الزحمه حسابرسی، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابرسی، ۶۴: ۶۲ -۴۳.

۱۴. قیطاسـی، روح الـه، استا، سهراب و حاجی زاده، فتح اله. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر عدم اطمینان اطلاعاتی، فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۳ (۵۲): ۱۸۶-۱۷۱.

۱۵. قایمـی، محمد حسین و محمد رضا وطن پرست. (۱۳۸۴). بررسـی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، ۴۱ : ۱۰۳-۸۵.

۱۶. کرمی، غلامرضا و بذرافشان، آمنه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۲(۷): ۸۰-۵۵.

۱۷. کاشانی‌پـور، محمـد، مران جوری، مهدی و سیدمحمـد، مشعشعی. (۱۳۹۱). بررسـی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری. دهمین همایش ملی حسابداری دانشگاه الزهرا.

۱۸. مهرانـی، ساسان، کرمـی، غلامرضا، ساسانی، علیرضا و قربـان، اسکندری. (۱۳۹۲). رابطـه بین هزینه حقوق صاحبان سهام با کیفیت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (بر اساس رویکرد مقایسه‌ای شرکتهای با کیفیت سود بالا و کیفیت سود پایین). فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۳(۵۰): ۲۳-۷.

۱۹. نوروش، ایرج، مشایخی، بیتا و زهرا، برقعی. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اقلام تعهدی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱(۱): ۵۳ -۳۱.

۲۰. نمـازی، محمد، بایزیدی، انور و سعید جبارزاده کنگرلوئـی. (۱۳۹۰). رابطۀ کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۳(۹): ۴۲-۲۵.

۲۱. وکیلـی فـرد، حمیدرضا، طالب نیا، قدرت اله و امید صباغیـان. (۱۳۹۵). اثرکیفیت حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۲۹: ۱۲۴-۹۷.

۲۲. واعـظ، سیدعلی، بنافی، محمد و سجاد ویسی. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر تخصص حسابرس بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابرسی. فصلنامه بررسی‌های حسابداری، ۱۲: ۱۳۰ -۱۱۱.

ب- منابع خارجی:

1. Agoes S & L, Y, Rahmina. (2014). Influence of auditor independence, audit tenure, and audit fee on audit quality of members of capital market accountant forum in Indonesia, International Conference on Accounting Studies, 18-19 August 2014, Kuala Lumpur, Malaysia
2. Arel, B., R., G., Brody & K. Pany. (2005)."Audit firm rotation and audit quality". The CPA Journal 75(1): 36-39.
3. Bates, H.L, R.W, Ingram, , & M.J, Reckers, (1982).Auditor client affiliation: The impact

on materiality. Journal of Accountancy, 153(4): 60-65.
4. Carcello, J. V., & A. L. Nagy. (2004). Client Size, Auditor Specialization and Fraudulent Financial Reporting. Managerial Auditing Journal, 19(5): 651-668.
5. Copley P. & M.S, Doucet. (1993). Auditor Tenure, Fixed Fee Contracts, and the Supply of Substandard Single Audits. Public Budgeting & Finance, 13(3): 23-36.
6. Chi, W., H, Huang,., Y, Liao, H, Xie.(2009). Mandatory Audit Partner Rotation, Audit Quality, and Market Perception: Evidence from Taiwan. Contemp. Account. Res.26: 359-391.
7. Choi, J.H, R, Doogar. (2005).Auditor tenure and audit quality: evidence from going-concern qualifications issued during 1996-2001. Working Paper, Hong Kong University of Science and Technology, University of Illinois at Urbana- Champaign.
8. Chen, C., C. Lin, and Lin, Y(2008). Audit partner tenure, audit firm tenure, and discretionary accruals: Does long auditor tenure impair earnings quality?Contemporary Accounting Research, 25(2): 215–245.
9. Deng, Lu ,S. Li & M. Liao.(2017). Dividends and earnings quality: Evidence from China ,International Review of Economics & Finance, 48:255-268.
10. De Angelo L. E. (1981). Auditor Size and Audit Quality. Journal of Accounting and Economics,3(3): 183-199.
11. Dechow, P.M & I.D, Dichev. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: The role of Accrual Estimation Errors. Account. Rev. 77: 35-59.
12. Davis, L.R., B.S, Soo & G.M, Trompeter. (2009). Auditor Tenure and the Ability to Meet or Beat Earnings Forecasts. Contemporary Accounting Research, 26: 517-548.
13. Dechow, P., W. Ge, and C. Schrand. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. Journal of Accounting and Economics 50: 344–401.
14. Francis, J., R, LaFond & P, Olsson & K, Schipper. (2005). The Market Pricing of Accruals Quality. J. Account. Econ. 39: 295–327.
15. Farinha Jorge ,C. Mateus, N, Soares. (2018). Cash holdings and earnings quality: evidence from the Main and Alternative UK markets, International Review of Financial Analysis, 56: 238-252.
16. Gul, F.A., S.Y, Fung, & Jaggi B.L. (2009).Earning quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors, industry expertise. Journal of Accounting and Economics, 47: 265- 280.
17. Gul, Ferdinand. L, Bikki, G, Jaggi & V. Krishnan. (2007). Auditor Independence: Evidence on the Joint Effects of Auditor Tenure and Nonaudit Fees Auditing: A Journal of Practice & Theory. 26(2):117-142.
18. Geiger, M.A & K, Raghunandan.(2002). Auditor tenure and audit reporting failures. Audit.: J. Pract. Theory 21: 67–78.
19. Ghosh, A & D, Moon.(2005). Auditor Tenure and Perceptions of Audit Quality. Account. Rev, 80: 585-612.
20. Hohenfels, D.(2016). Auditor Tenure and Perceived Earnings Quality. Int. J. Audi,. 20: 224-238.
21. Houqe M N, K. Ahmed and T v Zijl.(2017). Audit Quality, Earnings Management, and Cost of Equity Capital: Evidence from India, International Journal of Auditing 21(2): 177–189.
22. Johnson, V.E, I.K, Khurana, J.K, Reynolds.(2002). Audit-Firm Tenure and the Quality of the Financial Reports, Contemp. Account. Res. 19: 637-660.
23. Kirschenheiter, M., & N Melumad, (2004). Earnings quality and smoothing, Working Paper, Columbia Business School.
24. Leung, S.C M., B, Srinidhi, and L, Xie. (2017). Auditor Tenure, Information Asymmetry and Earnings Quality. https://ssrn.com/abstract=2941949 DOI: 10.2139/ssrn.2941949.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.16819691.1400.21.82.5.0]

25. LaFond, R. & R, Watts. (2008).The Information Role of Conservatism, The Accounting Review, 83:447-478.
26. Myers, J.N., L.A Myers, T.C, Omer. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? Accounting review: 78: 779-799.
27. Pierre K. St & J.A, Anderson. (1984). An Analysis of the Factors Associated with Lawsuits Against Public Accountants. The Accounting Review, 59(2): 242-264.
28. Penman, S. & X, Zhang. (2002). Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns. The Accounting Review, 77(2): 237-264.
29. Palmrose, Z.V. (1987). Litigation and Independent Auditors: The Role of Business Failures and Management Fraud. Audit.: J. Pract. Theory 6: 90-103.
30. Patterson E. R., J. R. Smith, and S. L Tiras. (2019). The Effects of Auditor Tenure on Fraud and Its Detection. The Accounting Review In-Press. https://doi.org/10.2308/accr-52370
31. Peterson,K., R, Schmardebeck & T.J.Wilks.(2015). The Earning Quality and Information Processing Effects of Accounting Consistency.The Accounting Review 90(6):2483-2514.
32. Revsine, L., Collins, D. & B, Johnson. (1999). Financial Reporting and Analysis, Prentice Hall.
33. Richardson, Vernon J.(2000). Information Asymmetry and Earnings Management: Some Evidence. Review of Quantitative Finance and Accounting, 15(4): 325–347.
34. Reynolds, J.K., & J Francis. (2000). Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions. Journal of Accounting and Economics, 30, 3,375-400.
35. Schipper, K.(1989). Commentary on Earnings Management. Account. Horizons 3: 91-102.
36. Stanley, J.D. and F.T. DeZoort. (2007). Audit firm tenure and financial restatements: an analysis of industry specialization and fee effects. Journal of Accounting and Public Policy 26 (2): 131- 159.
37. Thornton, Daniel, B (2002). Financial Reporting Quality: Implications of Accounting Research. Submited to the senate standing committee on banking, trade and commerce; 29.
38. Vanstraelen A. (2000). Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality. The European Accounting Review, 9(3): 419-443.
39. Varici, I.(2013). The Relationship between Information Asymmetry and the Quality of Audit: An Empirical Study in Istanbul Stock Exchange, International Business Research, 6(10): 132-140.
40. Venkatesh, P. C. & R. Chiang. (1986). Information Asymmetry and the Dealers Bid-Ask Spread: A Case Study of Earnings and Dividend Announcements. The Journal of Finance, 41(5): 1089-1102.
41. Walker P.L. B.L, Lewis & J.R, Casterella (2001). Mandatory auditor rotation: Arguments and current evidence, Accounting Enquiries,10 (2):112-125.